

دوره ششم تقنینیه

مذاکرات مجلس

جلسه

۱۲۶

شماره

۹۱

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه یکشنبه ۱۱

تیر ماه ۱۳۰۶

مطابق ۳ محرم الحرام

۱۳۴۶

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

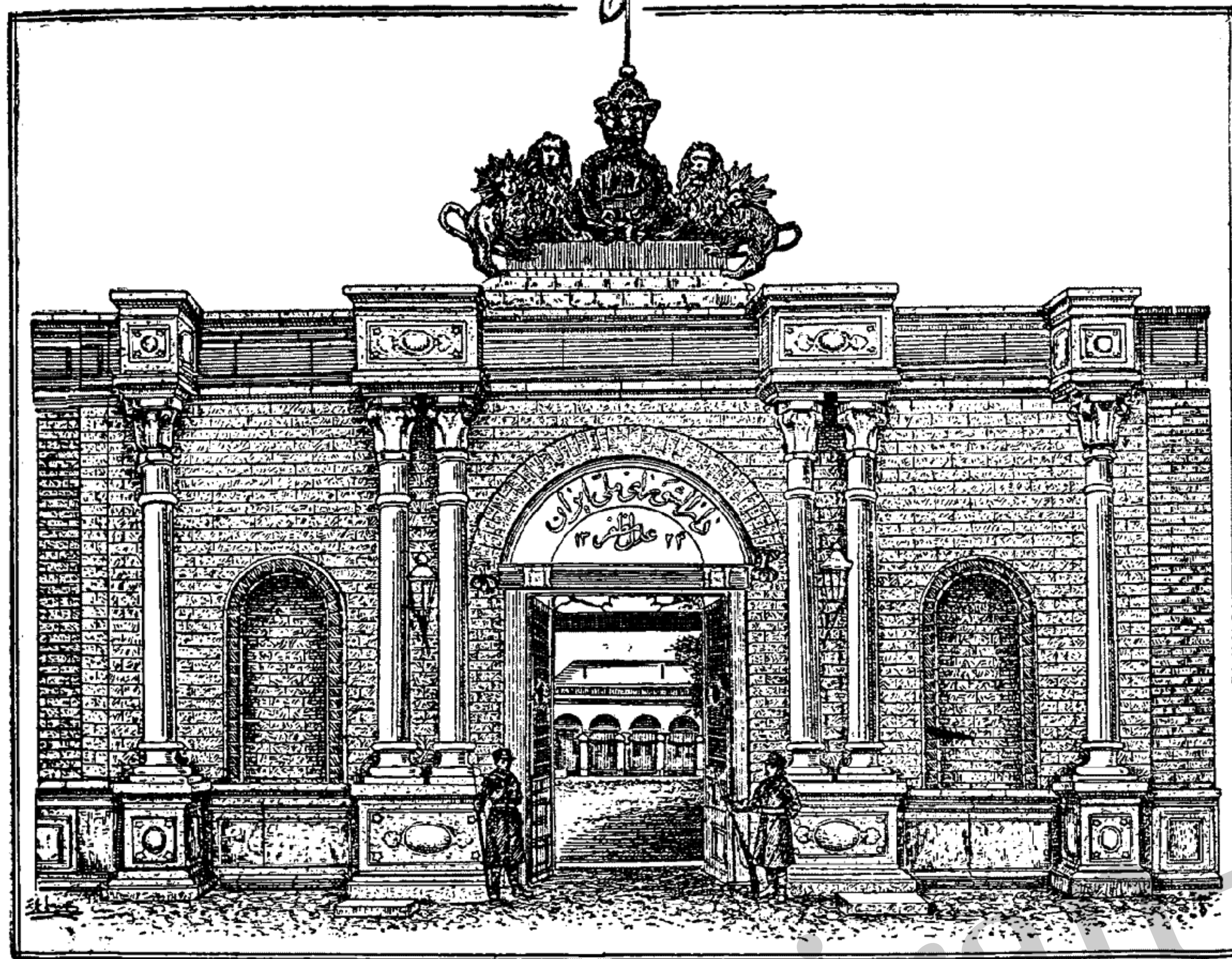
داخله ایران سالیانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان »

قیمه تک شماره

یک فران

فهرست مندرجات



ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تقدیم طرح قانون محرومیت رؤسای دوائر دولتی از انتخاب شدن در حوزه مأموریت و قرائت طرح آن در مجلس	۱۸۶۱	۱۸۸۰

مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۱۱ تیرماه ۱۳۰۶ مطابق سوم محرم الحرام ۱۳۴۶

جلسه ۱۲۶

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر برپاست)
 آقای پیرنیا تشکیل گردید
 (صورت مجلس روز پنج شنبه نهم تیر ماه
 را آقای دیوان بیگی قرائت نمودند)
 غائبین با اجازه جلسه ۱۲۴
 آقایان: اسفندیاری - نظام مافی - ضیاء - حیدری
 مکاری - فرشی - زعیم - شریعت زاده - لیهوانی - جهانشاهی
 میرزا حسن خان وثوق .

غائبین بی اجازه جلسه ۱۲۴

آقایان: اعظمی - حشمتی - حاج حسن آقا ملک

دیرآمدگان با اجازه جلسه ۱۲۴

آقایان: محقق شیرازی - موقر - مرتضی قلیخان بیات
قوام - آشتیانی - محمد ولی میرزا - محمود رضا -
دیوان بیگی.

دیرآمدگان بی اجازه جلسه ۱۲۴

آقایان: امیر حسین خان ایلخان - حاج شیخ بیات

غائبین با اجازه جلسه ۱۲۵

آقایان: اسفندیاری - خطیبی - نظام مافی - حیدری
مکری - قوام - فرشی - سلطان محمد خان عامری
زعیم.

غائبین بی اجازه جلسه ۱۲۵

آقایان: اعظمی - حشمتی - حاج حسن آقا ملک

لیقوان - مولوی.

دیرآمده کان با اجازه جلسه ۱۲۵

آقایان: محقق شیرازی - شریعت زاده - طباطبائی

وکیلی - آیه الله زاده اصفهانی

دیرآمده کان بی اجازه جلسه ۱۲۵

آقایان: فهیمی - نوبخت - مسعود - محمد ولی میرزا

رئیس - آقای محقق

محقق - بنده را در جلسه اسبق جزو دیرآمدگان
بی اجازه نوشته بودند در صورتیکه ورقه اجازه نامه
تقدیم کرده بودم

رئیس - از کمیسیون تحقیق و بعد اصلاح میشود

رئیس - آقای دیبا

دیبا - آقای مولوی را غائب بی اجازه نوشته اند در
صورتیکه جلسه گذشته که اعتبار نامه ایشان تصویب شد
مطلع نبودند از این جهت حاضر نشده بودند

رئیس - اصلاح میشود صورت مجلس دیگر ابرازی

ندارد؟

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

رئیس - آقای دشتی راجع بدستور فرمایشی دارید
نفرمائید.

دشتی - یکی از مشکل ترین کارها بعقیده بنده وضع
قانون است. یعنی وضع قوانین البته نشستن و فکر کردن
و مطابق خیال خود چیزی وضع کردن خیلی آسان
است اما قانونیکه متناسب باحوائج و وضعیت مردم
باشد خیلی مشکل است و بهترین قوانین قوانینی است که
درطبی عمل و مطابق بااحتیاجات مملکت وضع شود و بعد
ازقوانین آسمانی بعقیده بنده بهترین قوانین آن قانونی
است که درعمل اصلاح بشود از طرف دیگر این را باید
اعتراف کنیم که حالت حاضر ایران یک حالتی است که
در دوره تحول و انتقال است و هنوز اوضاعی که
لازم است مستقر بشود نشده است ازاین جهت تمام قوانین
این مملکت از سی سال تا پنجاه سال دیگر باید درعمل
اصلاح شود از جمله قوانینی که درایران وضع شده است
یکی دراول مشروطیت قانون انتخابات است که مطابق نظریه که
در آن دوره داشتند وضع کردند ولی بعد در طی عمل معلوم شد
که یک نواقصی دارد از جمله در اوایل دوره مشروطیت
حکام و مأمورین نظام بری و بحری را از انتخاب شدن
محروم کردند این برای این بود که مأمورین دولت نتوانند
اعمال نفوذ در امر انتخابات بکنند. یک مملکتی که تازه
مشروطه شده است این قدر برایش کافی بود ولی در طی
عمل معلوم شد که این قدر کافی نیست و در دوره سابق
و اسبق معلوم شد که مأمورین مالیه يك تأثیر شدیدی
دارند ازاین جهت قانون که اصلاح شد مأمورین مالیه
را از حق انتخاب در حوزه مأموریتشان ممنوع کردند چند
روز قبل هم در همین دوره که لایحه عدلیه مطرح بود
آقایان پیشنهاد کردند که مأمورین پارکها و قضات هم در
حوزه مأموریتشان از انتخاب محروم باشند و علنش هم
این بود که يك عدلیه جدیدی که میخواهند تشکیل بدهند

ويك اختیاراتی بقضات آن بدهند از اختیارات خودشان
سوء استفاده نمایند از این جهت یکماده از نمایندگان
که قریب هفتاد نفر میشوند يك طرحی را تقدیم مجلس
کرده اند و مشعر است بر اینکه کلیه رؤسای دوائر دولتی
در حوزه های انتخابیه خودشان از وکالت محروم
باشند بقید دو فوریت هم امضا کرده و تقاضا کرده اند که
مطرح بشود

(طرح مزبور را تقدیم مقام ریاست نمودند و اینقسم
قرائت شد)

نظر بحسن جریان امور انتخابات مجلس شورای ملی و
نظر بحفظ انتظامات دوائر دولتی اعضا کنندگان بقید
دو فوریت ماده واحده را پیشنهاد مینمائیم:

ماده واحده - کلیه رؤساء دوائر دولتی از انتخاب
شدن بعضویت مجلس شورای ملی در حوزه مأموریت
خود محروم خواهند بود حتی وعده از آقایان نمایندگان

رئیس - راجع بفوریت قسم اول مذاکره میشود
آقای شریعت زاده - مخالفید بفرمائید

شریعت زاده - بمناسبت اینکه بنده با اصل این پیشنهاد
مخالف هستم راجع بفوریت اهم بالنسبه مخالفم. بنظر
بنده این مطلب یکی از مطالبی است که مقتضی مطالعات
طولانی است و باید دلایل له و علیه این مطلب را
سنجید باین مناسبت بنده معتقدم که آقایان موافقت
بفرمایند که این طرح هم مثل سایر طرحها به کمیسیون
مراجعه شود و بموجب نظامنامه جریان عادی خودش
را طی کند. از این نظر بنده با فوریت مخالفم.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده کان نمیکم که این مسئله یکی از
مسائل فرقی العاده غامضی باشد که محتاج باین باشد که
ما يك مذاکرات زیادی بکنیم و يك مدت متمادی در
آن فکر کنیم. بنده عرض میکنم بهان دلیلی که
حکومت از حق انتخاب محروم است رؤسای سایر دوائر
هم باید محروم باشند اگر معاونین حکام را شما يك دلیلی

داشتید که باید در حوزه انتخابیه شان محروم باشند رئیس
عدلیه هم بيك دلایلی بایستی محروم باشد مأمورین مالیه
هم باید در حوزه مأموریتشان محروم باشند اینها
مذاکرات و مباحثاتش شده است بنده عرض می کنم
جریان را باید عادی و طبیعی کرد و بایستی آن وسائل
تا مشروعی که بجهت پیشرفت بعضی امور بکار میرود
ازین برد و بایستی تا اندازه مردم را آزادتر گذاشت و
باید سعی کرد اقتدارات دولت در اموری که خارج از
وظیفه مأمورین است صرف نشود آقایان همه بهتر از
بنده می دانند و هیچ محتاج بمطالعه در این امر نیستند
بنده استدعا میکنم که نگذارند این انتخابات که یکی
از امور فوق العاده مهم است که بلاخره اخلاق جامعه
را ممکن است خراب کند تا اندازه رو باصلاح برود
رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - آقای کازرونی فرمودند محتاج به بحث و مطالعه
زهد در این مطلب نیستیم بر عکس عقیده بنده این است
که اصولاً این مسئله نظری و قابل بحث است و بیستی دلایل
له و علیه این مطلب گفته شود يك طبقه منور الفکر
مملکت را از يك حق قانونی محروم کردن باین عنوان و
بن فوریت صلاح نیست اگر از نقطه نظر نفوذ جلوگیری
می خواهید بفرمائید بنده يك اشخاصی را نشان میدهم که
خیلی نفوذشان از اینها زهد تر است و آن ملاکین هستند
خوب است آنها را منع کنید که رعایای بی سواد را
سوق میدهند بطرف انتخابات و هر کس را میل دارند
انتخاب می کنند. شما حاکم را (چون متأسفانه بحث
در اصل موضوع نیست عرض نمیکم) میگوئید نفوذ دارد
منع می کنید سایر ذی نفوذ هارا هم باید منع کرد. گذر هر
حال چون اصل مطلب مطرح نیست و راجع بفوریت
است عرض میکنم که بعقیده بنده باید این طرح برود
بکمیسیون و در آن جا مذاکرات کافی در این خصوص
بشود و کاملاً بحث بشود چون قضیه کاملاً قابل مطالعه و
بحث است

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است
دادگر - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.
رئیس - بفرمائید.

دادگر - عرض کنم که شاید بالاخره مقتضی بود
مطلبی را که میخواهم بگویم در جلسه خصوصی بگویم
ولی فوت وقت بنده را دعوت میکند که همین جا عرض
کنم. اینکه بنده عرض میکنم مذاکرات کافی نیست
برای اینست که این قبیل مسائل مزاحم و مخالف شئون
سیاسی مجلس شورای ملی است. بالاخره بجهت مناسبت
مأمورین دراتی و کسانی که قسمت روشن این مملکت را
تشکیل میدهند باید از انتخاب شدن محروم شوند؟ و
قدری بنده شخصاً يك نفر در این موضوع دلائل
منظم و توضیحات وسیع دارم که شاید اگر بمن فرصت
بدهند بتوانم در عقیده و فکر اغلب رفقای خود مؤثر باشم
پس خوب است به بنده مجال بدهید که استدلال خودم
را عرض کنم آنوقت بنظر مجلس واگذار میکنم. چیزی
که هست آقایان میفرمایند مطالب قابل بحث نیست و
زود بفوریت میخواهند رأی بدهند در صورتیکه اگر این
طور شد قضیه وارد مجلس شد آنوقت وسیع را از ما
فوت میکند و نمیشود عرایض منصل خودمان را عرض
کنیم و شاید تعصب امضاها در این قضیه مسئله را زود
بگذرانند و بنده عقیده دارم که رفاقا در این باب فکر
مکرر کنند فکر متعدد بکنند و آنچه که صلاح و مناسب
است پیدا کنند.

رئیس - رای میگیریم کفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را
کافی میدانند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. آقای تقی زاده

تقی زاده - عرض کنم که...

حاج آقارضا رفیع - بفوریت رای گرفته نشد.

رئیس - (خطاب با آقای تقی زاده) آقا به بخشید

میشود و این مطلب لائیکلیف است؟ بنده که هیچ نمیفهمم لذا
عقیده دارم آقایان به فوریت دوشم رأی ندهند شاید بنده
در اصلش موافق باشم.

رئیس - آقای دادگر مخالفند؟

دادگر - بلی

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم بر خلاف فرمایشات آقای تقی
زاده عقیده دارم که تمام لوائح لازم نیست دو شوری
بشود فقط در مسائل سیاسی مسائلی که باید مراجعه
بقوانین بشود البته باید دو شوریت درش مراعات و منظور
شود ولی اگر يك چیزی را که در ضمن عمل تقریباً
بیدست سال مضر بودن آن معلوم شده تغییر آنرا بفوریت
تقدیم مجلس کنیم چه ضرری دارد؟ و اگر بنده هم
تقاضای فوریت کرده برای این است که ملاحظه شده
که در این قبیل مسائل اگر تأخیر شود در ضمن عمل
گرفتار يك رودربایستی میشود و بالاخره نظر اولیه باقی
میشود. و این لایحه محتاج مطالعه و فکر زیادی هم
نیست خوبست آقایان بگذارند تکلیفش معلوم شود.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که وقتی قضایا نحوایل به منطق
و قواعد شد باید تسلیم گردید. بامنتوق که نباید مبارزه
کرد. هر وقت که يك مسئله با استدلال ذکر شد باید
موافقت کرد، بسیار خوب، رفاقا متفقند که این مسئله
را باید گذرانند ولی آیا حاس نمیزند که بشود برای این
کار يك عیبی فکر کرد که بعد از شور از آنچه که اول
نوشته شده است بهتر بشود. اینکه آقای دشتی میفرمایند
که هر چیزی که زمان برایش گذاشته باشد باید بفوریت
بمجلس بیاید این دلیل عجیبی میشود که هر کاری که
يك مدتی سابقه دارد در این مملکت باید فوری باشد ترجمه
فوری بودن به این مضمون بنظر بنده خالی از اشکال
نیست، در اینجا يك لایحه امضاء شده است و این قضیه

حالت طبقهائی پیدا کرده یعنی يك جماعتی را خیال میکنند
که این جماعت جریان انتخابات را مزاحمت و میخواهند
آنها را دفع کنند و بنده گمان میکنم در هر حال
این مسئله يك مسئله نیست که بدون تأمل بشود
درش قدم برداشت، چون این موضوع مزاحمت
باحق يك جماعتی میکند. فوریت قضیه يك قدری به اهمیت
آن فرق دارد این است که بنده صلاح میدانم این مسئله
فوریت داشته باشد در يك مملکتی که چهارده ماه
دیگر به انتخاباتش دقت مانده و موضوع مسئله هم راجع
به داخله خودش است، راجع بمأمورین خودش
است، اینطور فوری يك قضیه جلو برود و خاتمه پیدا
کند خوب نیست بکقدری مدت و وقتی در هر کار اسباب پیدا
کردن واقع و نفس الامر است. و بنده گمان میکنم بهترین
است که حالا که فوریت اول رأی داده شد فوریت
دوم را آقایان مسامحه کنند که در کمیسیون مضامعه
کنیم و دقت کنیم و بالاخره بفوریت يك قسمت از امضاء
وضن خودمان را مختار نکنیم و محروم نکنیم از حقوق مدنی
رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - آقای تقی زاده در زمینه فوریت مخالفت
فرمودند ولی تجربیاتی که شخص ایشان دارند در طرز
کار کردن و با مشاهداتی که در خارج فرموده اند و با
احتیاجاتی که این مملکت به سرعت عمل در همه چیز دارد
بنده تصور میکنم که ایشان باید قائل این فکر باشند
که کارها در خارج حلاجی شود و در مجلس
با مذاکره يك نفر موافق و بکنفر مخالف کار
ها بگذرد و در نتیجه پیدا شدن همین فکر و مذاکره
طولانی کردن در پیشنهادات و بعضی پیشنهادات در لوائح
ما تجربه کرده ایم که چهار ماه است مجلس شورای ملی
هیچ کاری نکرده است. بنده معتقدم که هر کاری که
راه ضررش مسدود باشد باید بفوریت به مجلس شورای
ملی بیاید و بفوریت بگذرد. بنا بر این خوبست نماینده
محترم هم موافقت فرمایند که يك لایحه را که هفتاد نفر

در خارج مطالعه کرده اند و در خارج رأی داده اند و اعضاء کرده اند خود اعضاء کنندگان هم رأی میدهند و بهترین منطق در جواب نمائنده محترم عرض میکنم منطق اکثریت است در حکومت مشروطه فرمودند در این موضوع باید حرف بزنیم و يك سال دیگر به آخر دوره مانده است. بنده عرض میکنم که از حالا شروع به عمل کرده اند و مخصوصاً مأمورین دولت از حالا تغییراتشان شروع می شود وزیر پاشان را محکم میکنند و بالاخره در موقع خودش شروع به اعمال نفوذ میکنند و ما باید سعی کنیم که حتی الامکان مأمورین دولت که بی مأموریت میروند باید حسن نیت و خدمت بد مملکت بروند نه برای پیش بردن يك مقصد سیاسی و معلولان الان بیست سال است این مسئله مطرح است که آیا مأمورین دولت باید در حدود خودش از قدرت خودش استفاده نمایند و غلبه به آراء ملی بکنند یا نه؟ يك عده معتقدند که جامعه متور ابرارند و باید بروند افکار خودشان را به ملت تحمیل کنند، این خودش يك فکری است بنده عرض میکنم که این مسئله همانطور که فرمودند يك مسئله نظری است يك عده عقیده دارند که جامعه متور که عبارت از رؤسای ادارات باشند بروند و آراء مردم را زیر پا بگذارند يك عده دیگر عقیده دارند که همان حاجی دهانی که به آراء ملت انتخاب شود بهتر است بنابر این همان مسئله نظری را که می فرمایند بنده هم قبول دارم ولی باید دید که افکار عمومی چه میگوید، فرمودند که ملاکین هم از نفوذ خودش استفاده میکنند اولاً نفوذ مأمورین دولت با نفوذ ملاکین فرق دارد. همه آقایان میدانند که من ملاک نیستم و يك نفر رعیت هم ندارم ولی معیناً بنده نمی توانم نفوذ ملاک را که تا يك درجه نامشروع میدانم یا نفوذ یکنفر مأمور دولت که باید برود جلوی آن نفوذ را بگیرد مساوی قرار دهم، این را باید تصدیق کنند که يك نفر مأمور دولت نفوذش مال خودش نیست مال مملکت

است مال اقتدارات اداره است که او در رأس آن قرار گرفته و اگر این نفوذ را صرف انتخابات کند نامشروع است ولی نفوذ يك نفر ملاک مال خودش است رعیت خودش است، ملاک خودش است و بالاخره این نفوذ را اعمال میکند. بنده که ملاک نیستم مخالف این نفوذ ولی نمیتوانم بگویم که این نفوذ يك نفوذ نامشروعی است بدین قانون و به لحاظ وضعیت اجتماعی، خیر. آن يك نفوذ نامشروعی است برای اشخاصی که معتقد هستند به حکومت دموکراسی ولی روی هم رفته از نقطه نظر قانون نامشروع نیست ولی نفوذ یکنفر مأمور دولت از هر حیث نامشروع است و معایب دیگری هم بسرش مترتب میشود که آقایان در طی عمل مشاهده میکنند. اینجا میگویند که چرا يك عده را از حق خود محروم میکنند اشتباه نشود. اینطور نیست، خلط بحث میخواهیم بکنیم ابدأ محروم نیست، ما میگوییم که یکنفر مأمور دولت در آنجائی که قلمرو فرمانفرمایی او است محروم است ولی از جاهای دیگر میتواند انتخاب شود، مگر آقایان وزراء ما که در رأس تمام قواء قرار گرفته اند از ولایات انتخاب می شوند نامشروع است؟ ... (خنده نمایندگان)

جمعی از نمایندگان (باهمه) - آنها نامشروع است (صدای زنگ رئیس)

شیروانی - عرض کنم افراط و تفریط نباید کرد هر کسی در حوزه اقتدار خودش نفوذ نامشروع میکند، در هر صورت بنده نفوذ وزراء را نامشروع نمیدانم يك عده از رفقا نامشروع میدانند بدانند. بنده تجربه کرده ام که مأمورین از دروازه طهران که خارج می شوند تابع هیچ مقامی نیستند و در نهایت خود سرب هرکاری که میخواهند میکنند لااقل از حق انتخاب شدن در حوزه مأموریت خود محروم باشند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

افسر - بنده مخالفم.

رئیس - آقای افسر با کفایت مذاکرات مخالفید؟
افسر - بلی.
رئیس - بفرمائید.

افسر - عرض کنم بنده خیلی تعجب میکنم که يك مطلب به این مهمی یعنی محروم کردن يك افرادی از اهل این مملکت که در سعادت و شقاوت مملکت با کاملاً شریک هستند بدون اینکه استدلالی در بین باشد میخواهند بگذارند بنده عرض میکنم که هیچکس حق ندارد مگر اینکه يك ادله داشته باشد کسی را از حق خود محروم کند و باید در این مسئله زیاد بحث شود فرصت بدهید که کاملاً قضیه حل شود، به این نظر بنده مخالفم که يك مسئله به این مهمی و اساسی را به این زودی بگذارند.

رئیس - رأی میگیریم به کفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند
(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی میگیریم به فوریت قسم دوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب برخاستند)
رئیس - تصویب شد. ماده واحده قرائت می شود.
(بمطابق سابق قرائت شد)

رئیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - بنده خیلی متأسف هستم که در ضمن مذاکره در فوریت ترتیبی پیش آمده است که منتهی شده است تا حدی به عصبانیت و تعصب و حال آنکه اهمیت موضوع و عظمت آن بدرجه ایست که باید بایک مطالعات عمیقی صلاح و فساد این کار را سنجید و تشخیص داد که دلایل اثبات بیشتر و قوی تر است یا دلایل نفی، البته آقایان محترم تصدیق دارند که هر قدر اشخاصیکه زمام امور در دستشان هست از

حیث اطلاعات و معلومات و تجربه و آزمایش که نتیجه آن تجربه است متصدی امور باشند سعادت مملکت و صلاح مملکت بهتر تأمین میشود. از این نقطه نظر و نظر باینکه هیچ تردیدی نیست که قانون استخدام و قوانین سابقه مملکت ما برای مأمورین و برای اشخاصی که متصدی مشاغل دولتی باشند يك شرایط و نظامات و مقرراتی معین کرده است قطعاً باید تصدیق کرد که اشخاصی که در نتیجه سابقه و آزمایش تجربیاتی پیدا کرده اند با قیاد آنکه در جنبه عامی هم مورد آزمایش واقع شده اند آنها در تشخیص مصلحت مملکت و مسائلی که مربوط به صلاح مملکت است توانا تر هستند بنابراین باید اینطور فرض کرد که هر قدر مجلس شورای ملی تصویب کند و تشویق کند اشخاص را به تبعیت از افکاری که اجرای آن صلاح مملکت را تأمین می کند بهتر است این جا مذاکراتی شد که اعمال نفوذ میشود. بنظر بنده حسن اداره امور مملکت بهیچ وجه مربوط به وضع این چنین قوانین نیست، اگر يك عده از مأمورین در نتیجه محرومیت از این حق از اینکه حق اشتغال به پروپاگاندا برای خودش نداشته باشند البته آنها يك عده اشخاص شایسته هستند بایستند...

رئیس - آقای شریعت زاده. عده کافی نیست قدری تأمل بفرمائید.
(آقای شریعت زاده به محل خود مراجعت نموده و پس از چند ثانیه چند نفر از نمایندگان داخل شدند)
دستی - عده کافی شد.

رئیس - (خطاب با آقای شریعت زاده) - بفرمائید شریعت زاده - عرض کرده بودم اشخاصیکه در نتیجه خدمت و آزمایش بمقامات عالییه دولتی میرسند اصل باید این باشد که ارتقاء آنها در نتیجه آزمایش و در نتیجه لیاقت است و بنابراین هر قدر در مجلس شورای

ملی اشخاصی منتخب بشوند به نمایندگی و حضور بهم رسانند که آنها به احتیاجات جامعه و مملکت بیشتر آشنا باشند قوانینی که وضع میشود بهتر است . . .

(همه‌مه نمایندگان. صدای زنک رئیس)

یکنفر از نمایندگان - محلی‌ها هم آشنا هستند .

شریعت زاده - خواهش میکنم آقایان بعد از اینکه عرایض بنده تمام شد بفرمایند در هر صورت قانون‌گذار هر قدر تجریباتش بیشتر باشد قوانینی که وضع میشود بهتر خواهد بود همین علت است که دولت را وادار میکنند که در رفع احتیاجات مملکت و در تشکیل مؤسسات از اشخاص لایق انتخاب کنند و همان دلایل هم ما را ملزم میکند که سعی کنیم و یک تشکیلاتی در مملکت قائل شویم که اشخاصی که شایسته و کافی هستند تشویق بشوند و سعی کنند که موجبات انتخاب خودشان را فراهم کنند . ولی به استناد با به احتمال اینکه مأمورین دولت در یک زمانی اعمال نفوذ کرده‌اند ما بخواهیم از یک عده که در حدود قانون این حق برای آنها ثابت است یک حقی را از آنها بگیریم گمان میکنم خوب نباشد . و باید سعی کنیم که برای آنها در هر جائی که وسائل مشروع موجود باشد انتخاب شوند نه اینکه بهانه جوئی کنیم که اشتغال شما ریاست یک اداره یک جرمی است که بموجب فلسفه و یک دلایلی سبب محرومیت شما از انتخاب شدن میشود . این را بنده مخالف صلاح مملکت میدانم و تصور میکنم باعث پیشیانی شود ، علاوه بر این تردیدی نیست کسانی که در خدمت دولت هستند اعم از قضائی و کشوری آنها به مناسبت اینکه بیشتر مواجه با مشکلات و احتیاجات مردم می‌شوند اعتراف بکنید که اطلاعات آنها بیشتر از اشخاص عادی است و بنابراین اگر آنها بتوانند در یک حوزه انتخابیه حتی حوزه مأموریت خودشان بدون اعمال وسائل نامشروع انتخاب شوند دلیلی ندارد که ما الان آنها را از این حق محروم

مجلس شورای ملی دارد نمی‌بینم . مثلاً ملاحظه بفرمائید رئیس یک اداره مثلاً رئیس ثبت اسناد اگر او یک فرد لایقی برای انتخاب شدن باشد و در یک جائی مأموریت داشته باشد و بالاخره تمام احتیاجات مملکت آشنا باشد و بتواند در آنجا انتخاب شود چه فلسفه دارد که ما او را محروم کنیم ؟ ! و علاوه ما درکارها یا باید برطبق یک دلایلی و برطبق یک منطق و فلسفه تصمیماتی بگیریم یا باید ببینیم جاهای دیگر چه کرده‌اند بنده تصور میکنم در اینجا هیچ دلیلی وجود نداشته باشد که ما به آنها اینک ممکن است یک مأمورین اعمال نفوذ کند از حالا او را محروم کنیم . در صورتیکه قوانین و مقررات ما این است که اگر کسی اعمال نفوذ نامشروع کند اصلاً منتخب نیست ، پس اگر ما بخواهیم وظیفه شناس باشیم و اخلاف ما بخواهند انجام وظیفه کنند و فقط نمایندگان حقیقی ملت را بپذیرند برای آنها هیچ مانع و رادعی نیست که کسی را که اعمال نفوذ کرده است رد کنند ، باوجود اینکه این راه هست و باوجود اینکه مشاهده شده است که مستخدمین ادارات از قبیل قضات و سایر مأمورین کشوری که اطلاعاتشان و بالاخره صلاحیتشان از حیث تشخیص صلاح مملکت و احتیاجات مملکت بیشتر است دلیلی ندارد که ما آنها را محروم کنیم . این است که بنده استدعا میکنم آقایان توجه مخصوصی بفرمایند و تصور نفرمایند که در هر قضیه باید بفوربت رأی داد . اینجا میخواهم از رفیق محترم خودم آقای شیروانی گله کنم که ایشان فرمودند در هر موضوعی که هفتاد نفر امضاء کرده باشند باید فوراً رأی داد ، در صورتیکه اینطور نیست . راست است که اکثریت قاطع است ، ولی مطابق اصول معموله در غیر مواقع فوق‌العاده اکثریت باید همیشه ظرفدار این اصل باشد که مباحثات موافق موازین پارلمانی باشد یعنی مطالعات کافی بشود و آنوقت رأی بدهند ، زیرا ممکن است در عین حالی که بنده معتقدم که این مطلب صلاح

مملکت نیست در ضمن مذاکره یکی از آقایان حقیقه بنده از مخالفت خودم منصرف شوم بنا بر این عقیده به فردیت این قبیل لواحق خوب نیست ، حالا که رأی داده شد گذشت ولی باید سعی کنند که این قدر سرعت در این مسئله مباحثه نشود و مجال بدهند که مخالفین هم صحبت خودشان را بگویند بطوری که حقیقه اطمینان حاصل شود که در نتیجه جریانات پارلمانی این موضوع تصویب شده است نه اینکه فوراً بگویند مذاکرات کافی است ، چنانچه بعرایض بنده هم هیچیک از آقایان یعنی اکثرشان گوش ندادند .

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - اقوی دلیل نماینده محترم این بود که در بین مستخدمین دولت اشخاص شایسته و لایق بیشتر از خرج مستخدمین دولت است و باید یک رجحانی در حق آنها قائل شد که اجازه بدهیم در هر حوزه که تشریف می‌برند با قوای شخصی خودشان خودشان را تحصیل کنند اولاً البته نماینده محترم تصدیق میفرمایند که در بین نمایندگان افرادی این مملکت ۱۳۶ نفر خارج از محیط ادارات آده صحیح تحصیل کرده لایق پیدا میشود و لا نقل در تمام این مملکت خارج از محیط ادارات در بین نویسندگان ، در بین تجار ، علماء که طبقه عالی‌مقام این مملکت را آنها تشکیل میدهند صدوسی نفر لایق پیدا میشوند که لیاقت داشته باشند و برای وکالت انتخاب شوند پس این دلیل نیست که چون طبقه مستخدمین دولت مردمان متنور تحصیل کرده چیز فهم هستند باید گله بر سید این جامعه باشند و تمام مقامات انحصار به آنها داشته باشد ، در صورتیکه بنده میخواهم جفاً معکوس این را در این جا ثابت کنم صحیح است طبقه متنور مستخدمین غالباً در مرکز زمام امور را در دست گرفته‌اند ما این را کاملاً تصدیق میکنیم ولی اینها اشخاصی هستند که از یک مقامی آمده‌اند در ادارات وارد شده‌اند نه اینکه اول وارد مرحله نوکر بانی بوده‌اند ، با اول وکیل

بوده اند یا روزنامه مینوشته اند و با آن قوه رفقه اند در رأس ادارات قرار گرفته اند، جامعه متنور مستخدمین دولت را اگر میفرمائید اینها هستند نه آنهایی که قبل از مشروطیت داخل خدمات دولتی بوده اند و قره نوکر بوده اند و حالا بیک وسائل رفقه اند در رأس ادارات در ولایات قرار گرفته اند. این را باید تصدیق کنید که آنروزی که حکام و مأمورین امنیه و نظمی را محروم کرده اند دلیلش این بوده که در آن عصر آن طبقه طبقه متنوری را تشکیل نمیدادند، ممکن است بیک عدّه در رأس امور مملکتی باشند، رئیس اداره باشند، ولی اکثر خوب دقت کنیم می بینیم غالباً از خارج آمده اند و رفقه اند در آنجا...

کازرونی - مخصوصاً اداره اوزق

شیروانی - نماینده محترم باید تصدیق بفرمایند که مأمورین ولایات غالباً همین جا دعوی داشتیم که از بین طبقات خوب صالح کمتر انتخاب میشوند و همیشه مأمورین صالح در وزارتخانه ها می چسبند و در مرکز کار میگیرند که با هیچ قوه نمیشود آنها را بیرون کرد. شما اگر خوب ملاحظه بفرمائید در بین قضات این مملکت انقی و اعلم آنها در مرکز هستند و آنوقت دیدیم در ولایات چه اشخاصی آمدند. بنده حالا نمیخواهم داخل اشخاص بشوم و اسم ببرم و از نماینده محترم تقاضا میکنم که خودتان در این قسمت اگر مخصوصاً دقت بفرمایند خواهند دید که کمتر مأمور خوب بولایات اعزام میشود والا اگر از آن جامعه متنوره بولایات هم اعزام می شد بنده یکی از اشخاصی بودم که میگویم بایستی اجازه داد که آن طبقه متنور بایک وسائل بیایند و زمام امور را در دست بگیرد ولی متأسفانه اینطور نشده است. این را با مصادیق اگر تطبیق کنید تصدیق خواهید کرد که مأمورینی که در ولایات بوده اند کاملاً برخلاف وظیفه رفتار کرده اند و همان اعمالی که آنجا می کنند و هر روز مذاکرات قبل از دستور ما را در اینجا تشکیل میدهد کافی است فرمودند

مکن است بیک مأموری بوسائل مشروع از حوزه اقتدارات خودش انتخاب شود. بنده نمیگویم که مأمورین همه غیر صالح و همه مردمان بدی هستند و مردم آنها را خوب نمیدانند. مأمور بالاخره عبارت است از امین مالیه که پول از مردم میگیرد. مالیات می گیرد بشرح میل ندارد پولش را بکسی بدهد. بدش می آید از کسی که پول باو میدهد. قاضی لا اقل به محکومیت نصف اهالی و لو حکم حق میدهد و نصف اهالی از او ناراضی هستند. حاکم است مجازات می کند. نایب الحکومه فی حقوق میفرستد. امنیه است، نظمی است، حبس میکند، جلب میکنند. بالاخره مأمور دولت آنهاست در مملکت این اجازه بدهید عرض کنم که ابتدا محبوبیت ندارد که مردم آن ها را با میل خودشان انتخاب کنند. پس وسائل مشروع بنده تصور نمی کنم برای مأمور دولت در ولایات موجود باشد. برای اینکه خویش را هم مردم دوست ندارند چه رسد باینکه مأمور خوب کمتر بولایات رفته. فرمودند از نقطه نظر حسن اداره مملکت باید ما اجازه بدهیم کسانی که مأمور دولت بوده اند بیایند در مجلس و کار کنند که ما در نتیجه بتوانیم استفادات اداری از آنها بکنیم بنده اینجا میخواهم عرض کنم که بر عکس است. بنده خیلی مختصر عرض میکنم در تجربه ثابت شد کسانی که از ادارات آمدند در مجلس آن اداره مخصوص را از جریان طبیعی خارج کردند و خواهش میکنم قدری دقت بفرمائید بعد تصدیق کنید چه واداشته اشخاص را که بیک همچو پیشنهاد غیر طبیعی را بمجلس بیاورند. در عمل این جا دیدیم بودجه های وزارتخانهها همیشه بیک تأثیراتی در مجلس داشته است. همیشه در تحت بیک فشارهایی بوده است بالاخره آن وزیری که در بیک وزارتخانه انتخاب شده است همیشه در تحت تأثیر بیک اشخاصی بوده است که از وزارتخانه او انتخاب شده اند و خرابی در نتیجه تأثیر آن اشخاص بوده است. بلی فرمودند که مجلس در اعتبارنامهها

قضاوت میکند نماینده محترم چون یکی از اشخاص تجربه کرده و همیشه هم اهل حل و عقد و تفکر در مسائل بوده اند و هیچوقت از روی احساسات حرف نمیزده اند باید اجازه بدهند که عرض کنم (حالا بنده نمیگویم محیط مملکت افکار امروزی ایران) اساساً طرز نظامنامه ما نمیگذارد در اعتبار نامه ها عادلانه قضاوت بشود. بنده تصدیق میکنم که اگر بیک روزی اعتبار نامه ما رفت بیک محکمه و نیامد اینجا که خودمان یا همدیگر اعتبارنامه های خودمان را تصویب کنیم آنوقت اینطور باید بشود ولی ناوقتی که اعتبار نامه جنابعالی را بنده باید رأی بدهم و اعتبار نامه بنده را حضرتعالی بیک قدری از قضاوت عادلانه در اینجا باید صرف نظر کرد. دیگر اینکه ما در قانون مجازات عمومی موادی داریم که مأموری که اعمال نفوذ نامشروع میکند باید مجازات شود و حضرتعالی فراموش کردید این جا بگوئید ولی از حضرتعالی سؤال میکنم در این دوره که آن قانون هم جریّن داشته است و در تمام دوسیه ها مأمورین دخالت نامشروع کرده اند بیک نفر مأمورین در رفت پای محاکمه؟ بیک جا مدعی العموم رفت اقامه دعوی کند که فلان مأمور دولت فلان کار نامشروع کرده است؟ بنده تصدیق می کنم که اگر بیک روزی بیک مأمور وظیفه ناشناس دولت بمحاکمه دعوت شد باید این مادرا که امروز ما پیشنهاد کردیم آن روز نقض کنیم ولی تا از بیک طرف مجازات نیست باید بطریق دیگر از اعمال نفوذ نامشروع جلوگیری کنیم. همین مجلس بیک فقره رأی داده است بمحرومیت بیک طبقه یعنی قضات که شاید متنور ترین طبقه مأمورین دولت باشند. مجلس پنجم رأی داد بآن طبقه خیلی متنور که رؤسای مالیه باشند و آنها را محروم کرد. مجلس های سابق رأی دادند که حکام و مأمورین نظمی و امنیه باید محروم باشند. بنده میخواهم عرض کنم بی رودربایستی سایر مأمورین و رؤسای ادارات چه مزیتی دارند که نباید محروم باشند؟ می فرمائید اعمال نفوذ نمی کنند. بنده عرض میکنم

در عمل و از روی عدد و حساب دودوتا چهارتا خوب است حساب کنیم و ببینیم مأمور کدام اداره در مجلس بیشتر است تا آنوقت بتوانیم قضاوت کنیم که سایرین بیشتر میتوانند اعمال نفوذ نامشروع کنند بالاخره بهمان دلیلی که مجلس شورای ملی بیک عدّه را محروم کرده است از حق انتخاب در قلمرو خودشان بیک عدّه دیگر هم باید محروم شوند ولی در عین حال باید اینجا گفته شود که صحبت از محرومیت از بیک حق ملی نیست، ما میگوئیم از نفوذ نامشروع خودشان سوء استفاده نکنند یعنی در قلمرو خودشان انتخاب نشوند و لا بنده تصدیق میکنم توی آن طبقه مردمان خیلی علم و فاضل و متنور پیدا میشود و باید هم انتخاب شوند و غالباً تجربه کرده ایم خوبهاشان آنها هم هستند که در مرکزند و از ولایت خودشان بمناسبت نفوذ محلی که داشته اند انتخاب شده اند بوسیله نفوذ های دیگر ولی آنها هم که رفقه اند توی دهات و توی سر مردم زده اند و با چپاق حکومتی و انواع و اقسام اعمال نفوذ های نامشروع میخواهند انتخاب شوند اصلاً حق انتخاب شدن ندارند

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است و عدّه گفتند کافی نیست)

احتشام زاده - بنده مخالفم.

رئیس - آقای احتشام زاده راجع بکفایت مذاکرات

اگر فرمایشی دارید بفرمائید.

احتشام زاده - همانطور که نماینده محترم فرمودند این

مسئله بیک مسئله نیست که مقتضی باشد با عجله و شتاب مطرح

شود و رأی گرفته شود علاوه مذاکرات آقایان فرمودند که بنده

معتقدم لا اقل باید جواب آنها داده شود و بعد البته

قضاوت با مجلس است و هر رأی که بدهد معتبر است

ولی برای اینکه جواب فرمایشات نماینده محترم آقای

شیروانی داده شود اجازه بفرمایند ما هم حرفهای خود

را لا اقل بزنیم.

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایان

موافقین قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- گویا عده کافی نبود.

بعضی از نمایندگان -- کافی است. بعد از رأی گرفتن چند نفر رفتند.

دشقی -- آقا زاده و افسر و جلانی حالا رفتند.

رئیس -- (خطاب نمایندگان) بفرمائید

(پس از چند دقیقه تأمل عده کافی شد)

رئیس -- دوباره رأی میگیریم آقایانیکه بکفایت مذاکرات

رأی میدهند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس -- تصویب شد پیشنهادها قرائت میشود.

(ماده الحاقیه پیشنهادی آقای دیبا بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد ماده الحاقیه ذیل را مینمایم.

ماده الحاقیه -- وزراء و معاونین وزراء کبیة از انتخاب شدن محروم خواهند بود.

رئیس -- آقای دیبا

دیبا -- بنده عقیده ام این است که در ایالات و ولایات رؤسای دوایر که اعمال نفوذ میکنند اساساً ریشه اش در مرکز است. وزراء و معاونین وزراء هم اعمال نفوذ میکنند و باید ریشه فساد را کنند.

رئیس -- آقایان مدرس و محمدولی میرزا و عدل هم

همین پیشنهاد را کرده اند.

مدرس -- فرق دارد.

رئیس -- قرائت میشود.

(سه فقره پیشنهاد بضمون ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم

وزراء مسؤل و معاونین وزارتخانها نیز از انتخاب شدن

محروم خواهند بود عدل

وزراء و معاونین در حوزه مرکز بابتخت محروم از حق

ولی معاونین بنظر بنده خیلی ضعیف است که قدرت در تمام مملکت داشته باشند حالا اختیار با شما است.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده اینجا خواستم مخالفت کنم ولی

نظری داشتم. آقای تقی زاده فرمودند من موافقم ولی

چه دلیل دارند برای فوریت. بعد خودشان گذاشتند و رفتند

اما راجع باین مسئله خواستم خدمت آقای مدرس عرض

کنم بنده با این پیشنهاد موافقم ولی فکر کنید بنده

میتزسم در موقع انتخابات بحران شود (خنده نمایندگان)

خنده نکنید. ما میخواهیم قانونی بنویسیم که عملی باشد

هر کس بیاورد کابینه را تشکیل بدهد فوراً این قانون

جلوش را میگیرد. بنده می ترسم عوض اینکه ما یک

کاری بکنیم یک فترتی در مملکت ایجاد بشود. آقای مدرس

فکر کنید انشاء و اجراء قانون دولت است. احساسات

نگیرد. ما مشروطه ما باید صد سال از عمرش بگذرد

آنوقت این قانون بیاید. بنده حالا این عقیده را ندارم

چون میتزسم همین پیشنهاد تولید بحران شود و انتخابات

عقب بیفتد. چرا؟ چون هیچ هیئت وزرائی زیر بار

نمیرود برای اینکه از حق انتخاب محروم نباشد. بنده

عرض می کنم امسال هم بقدر کافی است و اکتفا کنیم

که مأمورین در حوزه مأموریت خودشان محروم باشند.

قدم بگذاریم برویم نه اینکه یک مرتبه اینقدر

تضییق کنیم. از این نقطه نظر بنده مخالف هستم بواسطه

این که به فترت میکشد و به بحران میکشد و انتخابات

پیش نخواهد رفت.

رئیس -- اول باید اصل مطلب رأی بگیریم بعد به پیشنهاد

فعلاً چند دقیقه تعطیل میشود.

(در اینموقع جلسه تعطیل و پس از سه ربع

ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- ماده واحده قرائت میشود و رأی میگیریم

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده واحده -- کلیه رؤسای دوائر دولتی از انتخاب شدن بصورت مجلس شورای ملی در حوزه مأموریت خود محروم خواهند بود

رئیس -- رأی میگیریم باین ماده. آقایانیکه تصویب میکنند

قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد به پیشنهاد آقای مدرس. بعد

رأی گرفته شود.

مدرس -- اول خوب است به پیشنهاد آقای عدل رأی بگیریم

رئیس -- قرائت میشود

(پیشنهاد آقای مدرس مجدداً قرائت شد)

مدرس -- پیشنهاد عدل را بخوانند.

رئیس -- راجع به پیشنهاد خودتان توضیح دادید

بعد رأی بگیریم. دیگر کسی اجازه نمیکشود؟

شیروانی -- بنده عرض دارم.

رئیس -- بفرمائید.

شیروانی -- این قبیل پیشنهاداتی که بمجلس میشود

البته از روی اضطرار و تجربیات تلخی است که ما در عمل

در مملکت دیده ایم و الا همانطور که بعضی از آقایان

نمایندگان توضیح دادند پیشنهاد بقید دو فوریت شدن

راجع بیک موضوع مهم شاید خوب نباشد و باید یک

قدری بیشتر درش بحث شود و بکمیسیون برود و بالاخره

قانون انتخابات در تمام مملکت باید اصلاح شود ولی چون

در تجربه دیدیم هر وقت خواستیم قانون انتخابات را

دست زنییم یک معایب دیگری برایش پیدا شد. عجله این

فکر پیدا شده است که یکی یکی مواد را موافق احتیاجات

مملکت اصلاح کنیم و یک روزی هم شاید بزودی بیاید

که همین ماها رأی بدهیم که این ماده نقض شود ولی

آن روز روزی است که مجازات در این مملکت باشد

مواخذة بشود. جریان انتخابات خوب و قانونی باشد،

عجالتاً ما در نتیجه تجربه فهمیدیم که در نقاط دور دست که

از محوطه قانون يك قدری دور هستند يك اعمال نفوذ های نامشروعی میشود. این را بوسیله یکماده قانون ماجلوگری میکنیم ولی در عین حال حساب میکنیم که این پیشنهاد اگر اجرا شود يك مضرات اساسی برای مملکت نخواهد داشت ولی بنده از نقطه نظر اصول و پرنسیب معتقدم که حکومت مشروطه و انتخاب وزیر از مجلس اینها مستلزم هم است وزیر و رکیل هر دو مسئول سیاست این مملکت هستند زمامدار امور هستند ما میگوئیم فلان رئیس اداره مملکت وقتی خواست انتخاب شود مجبور است برخلاف وظیفه اش رفتار کند مجبور است حق کسی بکند ولی وزیر که مسئول سیاست مملکت است این نمیتواند این کار را بکند وزیر و رکیل هر دو در زمامداری و سیاست مملکت مساوی هستند. فرض میکنیم بفرمایش آقای مدرس که همین فلسفه که راجع بفلان مأمور محلی موجود است راجع بفلان وزیر هم باشد (در صورتیکه اینطور نیست) در اینصورت مضرات این فکر را از يك طرف بسنجید و محاسنش را هم بسنجید آنوقت خواهید دید مضراتش بر محاسنش غلبه خواهد داشت. شما بالاخره «بعدمعلاقه مند ببقاء اصول حکومت ملی باشید. مجلس باید بدون تعطیل همیشه دائر باشد. ما نباید تقویت کنیم يك افکاری را که مشروطه ما را در مخاطره بیندازد. هردو ضعیفی آخر مجلس وقتی دید خودش اساساً در مخاطره است بنده تصور نمیکنم که آنقدر علاقه بدوام و بقاء حکومت ملی نشان بدهد. اینها يك مخاطراتی است در مقابل این پیشنهاد. بنده نمیخواهم باز خیلی عرض کنم و معتقدم که اگر ما اجازه بدهیم که هشت نفر از بین صدوسی و شش نفر با اعمال نفوذ انتخاب شوند بهتر از این است که ما دچار يك هشت نفری بشویم که يك لطمه اساسی بحکومت ملی ما بزند. این است که بنده استدعا میکنم آقایان اجازه بدهند در این دوره این قدمی که برداشتیم کافی باشد و در آتی که اگر دیدیم هشت نفر وکیل در سایه اعمال نفوذ انتخاب میشوند و يك

ضرر کلی دارد آنها را هم محروم میکنیم ولی حالا بنده صلاح مملکت را باین وضعیتیکه در دنیا هست نمیبینم که ما باین پیشنهاد رأی بدهیم.

رئیس -- رأی میگیریم باین پیشنهاد...

بیات -- در مرتبه قرائت شود

(مجدداً قرائت شد)

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. آقای افسر پیشنهاد جنابعالی را بخوانند؟

افسر -- خیر

رئیس -- آقای عدل به پیشنهادان رأی بگیریم

عدل -- بلی

رئیس -- بفرمائید

عدل -- بنده اولاً لازم است راجع به فرمایشات آقای شیروانی عرض کنم که این ماده واحده که ما تصویب کردیم فلسفه اش این بود که اعمال نفوذ نشود والا ما نمیخواستیم کسی را محروم کرده باشیم. همانطور که خودتان فرمودید ما مایل نبودیم که کسی محروم از حق انتخاب شدن باشد. ما گفتیم که رؤسای ادارات در محل مأموریت خودشان محروم باشند اگر آدم خوبی باشند بروند از ولایات خودشان انتخاب شوند. پس همین جهت ما میخواهیم آنها را که میتوانند اعمال نفوذ کنند در حوزه مأموریت خودشان نسبت بانتخاب خودشان محروم باشند. همانطور که وزراء محروم شدند معاونین هم همان حال را دارند بخصوص که غالباً میبینیم معاونین کفیل هستند. همانطوری که آقای آقا سید یعقوب فرمودند در مواقعی که بحران پیش میآید معاون کفیل میشود و همان اختیاراتی که دارد وزیر دارار هم دارد و شاید بیشتر هم دارد چون بعضی چیزها ممکن است بمعاون بر نخورد

و همینطور در وزارتخانهها ما میبینیم که اختیار معاونین امروز از وزیرم جلو افتاده. پس عقیده ما این است که معاونین هم محروم باشند برای اینکه انتخابات در نهایت آزادی باشد. از طرفی این مسئله محرز است که هر روز مجلس تلاش میکند برای اینکه ما يك دولت نابتی داشته باشیم. وقتی که وزراء از حق انتخاب شدن محروم شدند تصور میکنم کارها را هم بهتر اداره میکنند مجلس هم بهتر آنها را نگاهداری میکند...

شیروانی -- کدام مجلس؟

عدل -- و چون قسمت اول پیشنهاد بنده نامین شد باید بقسمت اخیر آن رأی گرفته شود.

رئیس -- راجع بمعاونین.

عدل -- بلی.

آقا سید یعقوب -- بنده مخالفم.

رئیس -- آقای امیر حسین خان

امیر حسین خان -- بنده راجع بوزراء هم عقیده نداشتم و حالا می بینم قضیه دارد يك دور و تسلسلی پیدا میکنند. خوب است این پیشنهاد ها يك حدی داشته باشد و خیلی خوشوقت میشدم که این پیشنهاد ها نیاید ولی بالاخره اینکه فرمودید راجع بوزراء که اعمال نفوذ میکنند، این يك موضوعی بود که شاید عده تصدیق میکردند ولی معاونین وزارتخانهها هیچ منشأ از نیستند در کارها. وقتی وزیر در راس آنها قرار گرفت نمیتواند وکیل شود معاونین البته نمیتوانند اعمال نفوذ کنند و بالاخره این هیچ منطق ندارد و بنده عقیده دارم که معاونین اگر يك اشخاص لایقی هستند و در حوزه انتخابیه ممکن است وکیل شوند دلیل ندارد ما آنها را از این حق محروم کنیم.

رئیس -- رأی میگیریم...

عراقی -- قرائت شود.

رئیس -- مقصود از این پیشنهاد این است که معاونین

هم ضمیمه وزراء شود. رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. آقای عمادی پیشنهادتان قرائت شود؟

عمادی -- خیر.

رئیس -- پیشنهاد آقای دادگر.

(باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بآخر ماده افزوده شود: مقصود مأمورینی است که دو سال قبل از انتخاب در آن حوزه مأموریت دائم داشته اند.

(همهمه بین نمایندگان)

دادگر -- عرض کنم که این را ما تجربه داریم بعضی روزها جریان امور بکطوری میشود و امروز هم یکی از آروزها است و بنده خیال میکردم که محروم کردن مأمورین از انتخاب شدن و محروم کردن وزراء و معاونین برخلاف مصالح مملکت است ولی مجلس شورای ملی رأی داد. البته بنده هم که يك عضو شوروی هستم رأی مجلس باین متبع است حالا رأی در این موضوع گذشته است ولی يك نمایشی بعقیده بنده باید اینجا کرد. برای خاطر اینکه بعضی مسائل است که وثیقه مشروطیت است. آن کابینه که در آخر مجلس شورای ملی در رأس کار است این باید در جریان آینده سهم داشته باشد. اگر نداشته باشد مشکوک است که وضعیت آتی مجلس چطور میشود. بشر اینطور وضع شده است که بمسائلی که خودش ذی نفع است علاقه مند است و بیشتر تعلق دارد. وقتی يك کابینه با فترت تصادف کرد و بالاخره دید هیچ در آینده سهم نیست جای نگرانی است و معلوم نیست با آن صمیمیتی که قبل از وقت داشت در کار مداخله کند ولی حالا این کار شده. در امر واقع شده مباحثه نمیکنیم. بنده صلاح میدانم که يك نمایشی شده باشد برای خاطر اینکه اگر دیدیم زبانی

يك سهمی هم به آنها داده شود اخلاقاً عیب ندارد در صورتیکه اینطور نیست. وزراء باید باینک حالت بی طرفانه و بیک حالت یاسی که اگر اعمال نفوذ بکنند موفق نمیشوند مشغول اجرای وظیفه باشند و انتخابات را انجام دهند و اگر غیر از این باشد تصدیق بفرمائید که همان دلیلی را که خودتان فرمودید که بشر حالش این است از همان نقطه نظر اعمال نفوذ می کنند و کارها را از مجرای طبیعی خودش باز میدارند آنوقت بیک همچو وزیری قابل اعتماد نیست و نمیتواند کارها را اداره کند. فرمودند که مأمورین معارف که در موقع انتخابات مأمور میشوند آیا وجودشان مؤثر است. بنده عرض میکنم بیک مفتش میفرستند به اصفهان که برود تقشیش کند این بیک خیالی پیش خودش میرود بلکه بتواند بیک تصرفاتی کند و انتخابات را به اسم خودش بکند تا چه رسد رئیس معارف که آنجا میتواند هزار گونه اعمال نفوذ کند بعلاوه مراجعه به عمل کنید که در موقع انتخابات کلیه مأمورین دولت در حوزه انتخاباتی که مأموریت دارند هر کس بقدر قدرت خودش اعمال نفوذ میکنند نهایت بعضی موفق میشوند و بعضی نمیشوند و بالاخره کارها از مجرای عادی می افتد و بالاخره بنده هم عقیده ام این است که آقای دادگر - بنده مطابق ماده ۶۳ عرض دارم

(خنده نمایندگان)

بعضی از نمایندگان - صدونه

دادگر - بی صدونه

رئیس - بفرمائید.

دادگر - بیک مسئله درین است و باید این موضوع طوری پیش بینی بشود که همه محروم نمانند. بنده بیک مسئله طبیعی را بعرض رساندم و البته در مجلس شورای ملی هر کس باید بالصراحه عقیده خودش را بگوید بنده عرض کردم آن کسانی که مأموریت دارند اینها بشوند

عابد میشود از آن زبان فرار کنیم. بعلاوه فلسفه هم دارد و چنانچه آقای مدرس فرمودند مسائل باید مبتنی بر یک اصلی باشد بسیار خوب مأمور معارف رفت باصفهان سه روز است رسیده است اعلان انتخابات میشود. این مؤثر است؟ خیر این مؤثر نیست. هنوز کوچه های اصفهان را بلد نیست. غالباً نگرانی از این است که بیک کسی برود بیک جائی بعد از مدتی ریشه پیدا کند، نفوذ داشته باشد بازمان و مدت زیر پای خودش را محکم کرده باشد. این نظر بنده بود و بالاخره کان میکنم این مباحثات ضرور باشد و بیک مقداری باید حالت روحیه کسانی را که باید همیشه بمجلس شورای ملی متوجه باشند و آنجا مرجع امور خودشان بدانند باید اداره و محافظت کرد زبان هم ندارد. بیک مسئله دیگر بنده عرض میکنم گاهی میشود بیک عمل عادی انسان میکند و در موقع عکس العملش هم برمیگردد. اگر مجلس شورای ملی دائر باشد و قائم باشد اگر نقضی به بند تصحیح میکند و این کار بالقوه از دست نمیرود. ولی بنده میخواهم این قسمت اخیر یعنی زمانش را طوری کنیم که وضعیت برای ما محفوظ باشد که اگر خواستیم تصحیح کنیم بشود نه اینکه بیک اشخاصی را در رأس بیک اموری بگذاریم که آن اشخاص در آتیه که مباشرت هستند سهم نداشته باشند و شاید خدای نخواستہ نسبت بتصمیماتشان آنقدری که لازم است صمیمیت نداشته باشند.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده اولاً حقیقه بملت ایران تبریک میگویم که امروز بیک همچو قانونی که تا اندازه اسباب آسایش خاطر آنها را فراهم میکند از مجلس شورای ملی گذشت راستی تبریک میگویم و ثانیاً در این قسمتی که حضرت آقای دادگر اظهار فرمودند که آن وزرائی که در آخر دوره متصدی امر هستند بایستی در انتخابات هم سهمیه باشند مثل این که بیک مال مفتی هست و حالا اگر در موقع تقسیم کسانی که خودشان متصدی تقسیم هستند

و تمام خصیصه های بشر را دارا هستند حب و بغض و علاقه دارند و البته عقلاً بایستی طوری باشد که کسانی که مباشرت آن کار مخصوص هستند بیشتر اظهار علاقتندی بکنند بیشتر از این عرضی ندارم

رئیس - رأی میگیریم بپیشنهاد آقای دادگر آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیلرا بنده پیشنهاد میکنم:

اشخاصی که قبول نمایندگی مجلس شورای ملی را میبایند اعم از این که قبلاً از وکالت استعفا بدهند یا در مقام وکالت باقی باشند. در دو سال مدت اجلاس مجلس از قبول هر گونه شغل دولتی وزارت و غیر آن ممنوع خواهند بود

فیروز آبادی - بیک پیشنهاد دیگری شده است که بنده با آن پیشنهاد موافقت میکنم

رئیس - پیشنهاد دیگر

(اینطور خوانده شد)

امضاء کنندگان ذیل ماده الحاقیه را پیشنهاد میکنم: تا القضاء هر دوره تقنینیه نمایندگان مجلس شورای ملی نمیتوانند هیچیک از خدمات دولتی را موظفاً قبول نمایند مگر اینکه سه ماه قبل از قبول خدمت از نمایندگی استعفا نموده باشند. باهداد - سید یعقوب - دکتره صدق و جمعی دیگر

رئیس - آقای دکتر صدق

دکتر صدق - اگر چه بنده هیچوقت معتقد نیستم که قوانین به این ترتیب از مجلس بگذرد البته گذشتن قوانین محتاج بیک مطالباتی است که بایستی کاملاً آن مطالبات بعمل بیاید ولی امروز که این ماده واحده با قید دو فوریت از مجلس گذشت بنده و آقایان محترم

امضاء کنندگان ماده الحاقیه اینطور تصور کردیم که باید دو جارا جلو گیری کرد یکی خارج از مجلس و یکی هم داخل در مجلس اشخاصی که خارج از مجلس هستند دو قسمت هستند یکی اشخاصی هستند که سوابق اداری دارند و یکی هم اشخاصی هستند که سوابق اداری ندارند آنهاست که سوابق اداری ندارند نگاه میکنند که اگر بخوانند بخواهند بشوند بچه شکل باید وزیر شد زیرا اگر کسی بخواند وزیر شود باید درجات قانون استخدام را حقیقتاً طی کرده باشد و البته کسی که درجه اول قانون استخدام را طی نکرده باشد نمیشود گفت درجه ۹ قانون استخدام را خیلی خوب میداند بالاخره بیک اشخاصی که این سوابق اداری را ندارند سعی میکنند که حتماً بهر وسیله که هست انتخاب شوند و آنوقت وارد مجلس که شدند بهر ترتیبی که هست بروند وزیر بشوند اینها بیک گروه از اشخاصی هستند که همیشه سعی میکنند و انتخابات را از حالت طبیعی خودش خارج میکنند بگمده هم کافی هستند که درجات قانون استخدام را کاملاً دیده اند اینها هم همیشه سعی میکنند که جریان انتخابات را از محور خودش خارج کنند که وارد مجلس شوند آنوقت وارد مجلس که شدند باید دانست که همیشه اکثریتهای مجلس متزلزل است برای اینکه چند نفر در مجلس پیدا میشوند که میخواهند وزیر بشوند و اینها حق القوه نمیکند از آنکه بیک کابینه سرکارش باشد ما می بینیم که مملکت انگلستان که در سیاست و در طرز تشکیلات اداری بهترین مهالک است خوبیش بواسطه دوام وزرایش است که کارهای تمام خود را تمام میکنند ولی اگر بیک وزیری دو ماه سه ماه سرکار بود و رفت وزیر دیگری که آمد کارهای او را به آنها میسراند و همین طور کارها تمام میماند پس بنا بر این ما باید بیک کاری کنیم که مجلس شورای ملی بیک صورتی پیدا کند که اولاً اکثریت در مجلس ثابت باشد وقتی که اکثریت در مجلس ثابت شد و دولت هم در خارج مجلس ثابت شد یعنی بواسطه تقاضای بعضی اشخاص که در مجلس هستند دولت همیشه متزلزل نباشد و بتواند کار بکند این است که آقایان امضاء کنندگان

آوردند توی این مجلس و آن فکر بالاخره بقدری افراط و تفریط در اطرافش شده که اصل موضوع از بین رفته است بنده تصور میکنم که آقای دکتر مصدق که چندان موافق یا منظور اولیه نبوده اند میخواهند به این وسیله آن فکر را از بین ببرند.

بعضی از نمایندگان «همه» - اینطور نیست.

شیروانی - آقا اجازه بدهید عرض میکنم که این مملکت تابع افراط و تفریط است ما یک طرح ساده پیشنهاد کردیم حالا دارد خراب میشود بنده دلم برای فکر خورده میسوزد که دارد خراب میشود...

(همه بین نمایندگان - صدای زنک رئیس)

آیه الله زاده خراسانی - اکثریت منطبق است.

شیروانی - آقا اجازه بدهید بنده حرفم را بزنم چه حقی دارید توی نطق من حرف میزنید.

کازرونی - جلو احساسات را نمیشود گرفت.

شیروانی - این احساسات خشک است.

کازرونی - زش میکنیم.

شیروانی - (بطور آهسته خطاب با آقای رئیس)

ملاحظه بفرمائید آقای کازرونی توهین میکنند.

رئیس - (خطاب با آقای کازرونی) یکقدری در الفاظی که

استعمال میکنید ملاحظه بفرمائید.

شیروانی - بنده این پیشنهاد آقای دکتر مصدق را

برخلاف اصول حکومت ملی میدانم و پیشنهاد ایشان

بدون مطالعه نوشته شده است. زیرا ایشان اصلی و

دوم قانون اساسی را ملاحظه فرموده اند مینویسد:

چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم

بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت

او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب

از طرف ملت خواهد بود وقتی که قانون اساسی اجازه

داده که وکیل در ادارات دولتی موظفاً مستخدم شود آقا

میخواهند برخلاف قانون اساسی این حق را از او سلب

کنند...

کازرونی - اینطور نیست

شیروانی - اجازه بدهید آقای کازرونی شما

که در تمام علوم اولین و آخرین متخصص هستید بنده

عرض میکنم که این مسئله بر خلاف نص صریح قانون

اساسی است برای اینکه قانون اساسی اجازه داده است و

شما دارید آن را نقض میکنید دیگر اینکه حضرتعالی

را شنیده ایم حقوق تحصیل فرموده اید و یک مدتی در

اروپا به تحصیلات عالی پرداخته اید بنده میخواهم به

بیم در کجای دنیا یک پارلمانی وجود دارد که یک همچو

قانونی درس معمول باشد؟ اگر آقای دکتر مصدق که

یک دوره حقوق را تکمیل فرموده اند یک همچو قانونی

را در یک نقطه دنیا به بنده نشان دادند بنده ملتزم میشوم

که به این ماده رأی بدهم. این اولین ماده است که برخلاف

حکومت ملی در مجلس پیشنهاد میشود. حالا آقای کازرونی

هم احساسات بخرج میدهند فلسفه حکومت ملی

این است که بالاخره آراء ملت جمع شود و یک مجلسی را

تشکیل بدهد در میان آن مجلس یک حکومتی تشکیل شود که

نماینده حقیقی ملت باشد یعنی ملت به رأی داده باشد

حالا آقای دکتر مصدق میخواهند این حکومت ملی را

یک حکومت خارج از مجلسی درست کنند یعنی یک

مجلسی میخواهند درست کنند که فقط قانون وضع کنند

حکومت هم در خارج تشکیل شود. بنده تصور میکنم که

اصل قانون اساسی فلسفه دارد. مجلس شورای ملی نماینده

ملت است دولتی هم که از مجلس شورای ملی انتخاب میشود

میتواند نماینده ملت باشد اینجا یک صحبتی فرمودند آقای

دکتر مصدق که در یکی از ممالک یک چنین ترتیبی

هست در صورتیکه در همان مملکت بنده سراغ دارم

که وکیل پس از آنکه دوره وکالتش خاتمه پیدا کرد

صندلیش محفوظ است دوباره میاید و کرسیش را میگیرد

فلسفه حکومت ملی این است که یک دولتی که از خارج

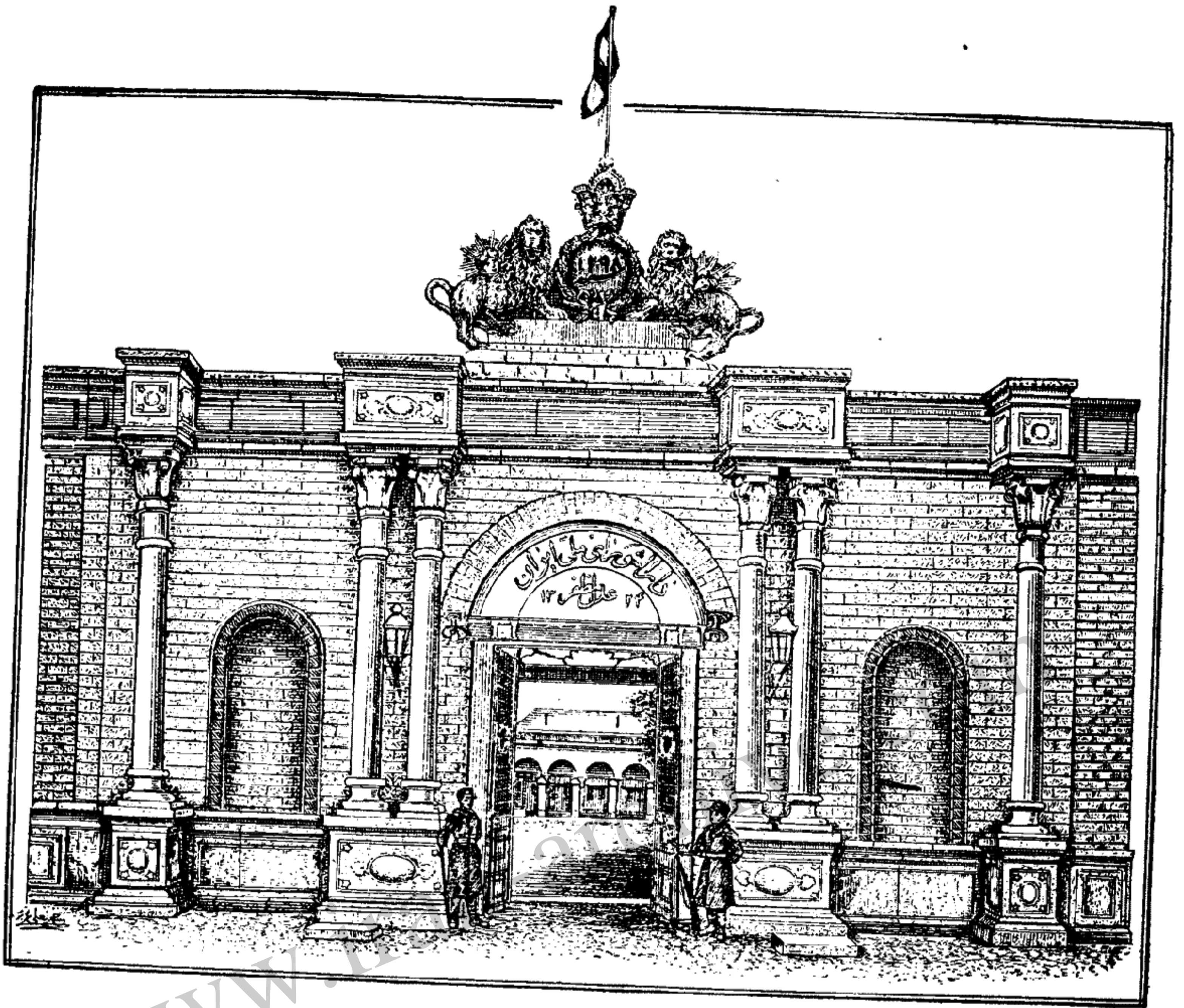
که بشما معرفی میشود رأی اعتماد بان دولت ندهید وقتی

شما میتوانند علاقه بیک حکومتی داشته باشید که از

تیب شما و از فراکسیون شما انتخاب شود و به او رأی اعتماد بدهید حکومتی که در خارج انتخاب میشود این حکومت ملی نیست. یک نفر وکیل هم وقتی که از وکالت استعفا داد این بکنفر از افراد عادی این مملکت است چرا باید از یک حقوقی محروم باشد؟ بنده نمیدانم آقای دکتر مصدق قضیه را بچه طریق حل کرده اند که بکنفر وکیل پس از استعفاء از وکالت حق نداشته باشد وزیر شود؟ بشر آزاد است امروز که از این شغل استعفا داده میخواهد برود عطار بشود چون وکیل شده حتماً باید از یک حقوقی محروم باشد؟ بنده در دوره پنجم یک وکیلی را سراغ دارم که می گفت آقا هر وقت داخل در این محوطه می شوم وحشت میکنم با این وضعیت و این اختلافاتی که در کار است نمیتوانم تحمل کنم بالاخره در اواسط کار استعفا داد و رفت سرکار خودش. حالا شما میفرمائید بعد از این که استعفا داد نمیتواند عضو یک اداره بشود یا وزیر شود؟ امروز که استعفا ازاد است دیگر سه ماه یعنی چه؟ این سه ماه جزو عمرش نیست؟ بنده نمیدانم این شخص وقتی استعفا کرد و رفت دیگر چند قانونی به سایر مردم دارد خوب بود آقای دکتر مصدق میفرمودند که چه تفاوتی دارد وقتی استعفا داد فردایش میخواهد برود دکان بزازی باز کند یا اینکه خبر لیاقت دارد و میخواهد بخواهد وزیر نشود این قانون غیر عملی است و غلط است و قانون غلط اجرا نمی شود.

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - چون آقای شیروانی فرمودند که این ماده مخالف قانون اساسی است خواستم عرض کنم کاملاً با اصل سی و دوم قانون مطابقت دارد و مخصوصاً نظریات حضرت آقای رئیس هم جلب شد بهیچوجه مخالفت ندارد و اینکه قانون اساسی میگوید که چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود. ما نگفتیم که نمیشود این مسلم است ما گفتیم اگر وکیل خواست برود وزیر شود یا رئیس



دوره ششم تقویمیه

مذاکرات مجلس

شماره

۹۲

جلسه

۱۲۷

تاریخ تاسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه سه شنبه ۱۲

تیر ماه ۱۳۰۶

مطابق ۵ محرم الحرام

۱۳۰۶

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

اخراعد بود

پس از ختم هر جلسه کلید مذاکرات در بک شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

داخله ایران سالیانه ده تومان

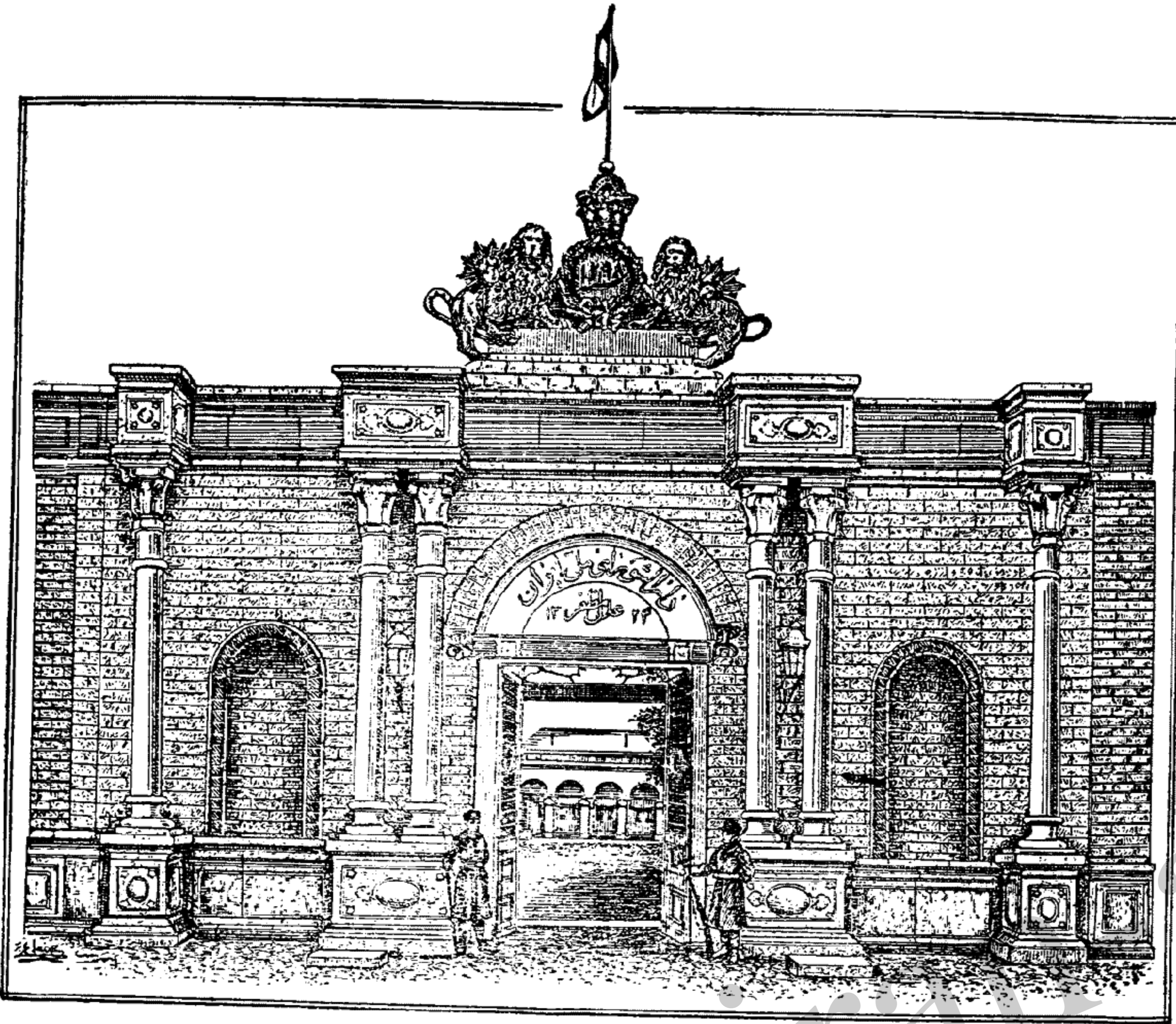
خارجه دوازده تومان

قیمه تک شماره

بک قواف

فهرست مندرجات

نمبره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقا بان عدل - فرمند - لرستان - حاج علی اکبر امین - دکتر سنک	۱۸۸۲	
۲	بقیه شور راجع بماده واحده دائر بمحدودیت رؤساء دوائر دولتی از انتخاب شدن در حوزه مأموریت	۱۸۸۳	۱۸۹۷



مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۱۳ تیرماه ۱۳۰۶ مطابق بنجم محرم الحرام ۱۳۴۶

جلسه ۱۲۷

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست
آقای بیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس یکشنبه یازدهم تیر ماه را
آقای دیوان بیگی قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان: اسفندیاری - حیدری مکری - حاج میرزا آقا
فرشی - میرزا سید حسنخان زعیم - اعتبار - جشیدی - نجومی - قوام
محمدتقی خان اسعد - بنی سلیمان - دکتر لفهان - سلطان محمد خان

غائبین بی اجازه جلسه قبل
آقایان : علیخان اعظمی - نظام مافی - حشمتی
حاج حسن آقا ملک

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل
آقایان : عراقی - میرزا عبدالله خان ونوق - بهبهانی
بهار - آبه الله زاه اصفهانی .

دیر آمده بی اجازه جلسه قبل
آقای دکتر مصدق .
رئیس - صورت مجلس اعتراضی دارد یا خیر؟
(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد
رئیس - چند فقره خبر کمیسیون مرخصی است باید
قرائت شود . خبر راجع بمرخصی آقای عدل
(شرح آنی خوانده شد)

آقای عدل نماینده محترم سابقاً برای تشریف باستان
مقدس رضوی تحصیل بیست و پنج روز مرخصی نموده
و متأسفانه استفاده نکرده اند اینک مجدداً برای همان
مقصد و مسافرت باذربایجان تقاضای هشتاد روز مرخصی
از تاریخ حرکت نموده اند کمیسیون تقاضای ایشان را
تصویب می نماید مشروط بر اینکه از تاریخ تصویب در
طرف سه ماه و نیم استفاده از هشتاد روز مرخصی خود
بنمایند .

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه مفاد این خبر
تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر دیگر راجع بمرخصی آقای
فرمند .
(بمضمون ذیل خوانده شد)

آقای فرمند نماینده محترم برای مسافرت بهمدان تقاضای
پنججاه روز مرخصی از روز حرکت نموده کمیسیون تقاضای
ایشان را تصویب و خبر آنرا به مجلس مقدس شورای ملی

تقدیم میدارد و ضمناً به نماینده محترم تذکر میدهد که
پس از تصویب در ظرف سه ماه حق استفاده از پنججاه
روز مرخصی خود خواهند داشت

رئیس - رأی گرفته میشود . آقایانیکه مرخصی
پنججاه روزه آقای فرمند را تصویب می کنند قیام
فرمایند
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . خبر دیگر راجع به مرخصی
آقای آقا شیخ عبد الرحمن .
(مضمون آن قرائت شد)

جناب آقای آقا شیخ عبد الرحمن نماینده محترم بواسطه
مسافرت به لرستان و انجام کارهای نوعی تقاضای سه ماه
مرخصی نموده کمیسیون تقاضای ایشان را از تاریخ بیست و
ششم مرداد لغایت سه ماه تصویب و خبر آنرا تقدیم
میدارد .

رئیس - آقایانیکه مرخصی آقای آقا شیخ عبد الرحمن
را تصویب میکنند قیام فرمایند .
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . خبر مرخصی راجع به آقای
حاج میرزا علی اکبر امین
(شرح ذیل خوانده شد)

آقای حاج میرزا علی اکبر امین نماینده محترم از
تاریخ ۲۵ تیرماه لغایت چهل و پنجروز برای مسافرت
بخراسان تقاضای مرخصی نموده کمیسیون تقاضای ایشان
را تصویب و خبر آنرا تقدیم میدارد .

رئیس - آقایانی که این خبر را تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . خبر دیگر

(برتیب ذیل خوانده شد)
آقای دکتر سنک نماینده محترم از تاریخ دوم اردیبهشت

۱۳۰۶ لغایت دوماه اجازه مرخصی داشته و نظر به
کرفناری که در مرکز برای ایشان حاصل شده است از
استفاده آن محروم و مجدداً تقاضای تجدید نموده اند لذا
کمیسیون تقاضای ایشان را تصویب و خبر آن را بمقام مجلس
شورای ملی تقدیم میدارد و ضمناً به نماینده محترم تذکر
میدهد که از تاریخ تصویب لغایت سه ماه حق استفاده
از دوماه مرخصی خود خواهند داشت

رئیس - آقایانیکه مرخصی آقای دکتر سنک را
تصویب میکنند قیام فرمایند
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد .
وزیر مالیه - اجازه میفرمائید ؟
رئیس - بفرمائید

وزیر مالیه - لایحه دو دوازدهم پانزدهم در کمیسیون
بودجه بتصویب رسیده است ولی مطابق تحقیقی که
نمده کرده ام هنوز طبع و توزیع نشده است و چون روز
پنجشنبه از قراریکه اظهار میشود مجلس تعطیل است
بنده میخواستم تقاضا کنم که هر موقعی خود آقایان
نمایندگان صلاح میدانند اجازه بدهند امروز خبر کمیسیون
این جا قرائت شود و دو دوازدهم تصویب شود . چیزی
نازه هم ندارد روی همان اصول سابق است

رئیس - لایحه که وزیر عدلیه تقدیم کرده اند قرائت
میشود بعد مطرح میشود
بعضی از نمایندگان - بعد از دستور

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود .
(پیشنهاد آقای باستانی شرح ذیل خوانده شد)
نمده پیشنهاد میکنم راپورت کمیسیون بودجه راجع
به اضافات فوائد عامه در سنه ۱۳۰۵ در دستور امروز
مقدم باشد .

رئیس - يك پیشنهاد دیگری رسیده است مقدم است
بر این پیشنهاد
(پیشنهاد مزبور شرح ذیل قرائت شد)

امضا کنندگان ذیل تقاضا میکنیم که لایحه پیشنهادی
آقای دشتی و آقایان دیگر راجع به تجدید نمایندگی از
دستور خارج شود فهیمی و چند نفر دیگر

رئیس - آقای فهیمی
فهیمی - بنده یکی از پیشنهاد کنندگان خروج طرح برروز
از دستور علنش هم این است که نه مطابق نظامنامه
داخلی است و نه مطابق قانون اساسی

(همه نمایندگان)
فهیمی - با همه نمیشود کار کرد . بنده عرضم را می
کنم بعد آقایان بیاینند جواب بدهند . آقای دشتی برروز
يك ماده پیشنهاد کردند که رؤسای ادارات در ولایات
از حق انتخاب شدن محروم بشوند مجلس هم بفوریت اول

و دوم این ماده رأی داد و مطرح شد بعد در ضمن
آن يك موادی که بهیچوجه مربوط بین
قسمت نمی شد پیشنهاد شد . مثلاً در ضمن
آن طرح اگر بنده پیشنهاد میکردم که راه بین اهواز و
شوش ساخته شود آیا باید رأی داد

(بعضی از نمایندگان (با همه) اینطور نیست)
فهیمی - التفات بفرمائید آقایان بکلمه پیشنهاد کردند
که وزراء نباید انتخاب شوند

مدرس - ماده نبود ضمیمه بود
فهیمی - بسیار خوب ضمیمه . هیچ معلوم نبود که
آن فوریت اول و دوم باین قسمت هم مربوط میشود
یا خیر ؟

قسمت ثانی پیشنهاد آقای دکتر مصدق بود که در
دوره وکالت وکلا نباید کار دیگری قبول کنند مگر
این که سه ماه قبل استعفا بدهند بنده این را
کاملاً مخالفم و مخالف با اصل ۳۲ قانون اساسی
میدانم

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست
 فهیمی - شما میگوئید نیست بنده میگویم هست اینرا
 برای بنده تفسیر بفرمائید بنده قبول میکنم: چنانچه یکی از
 وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم نشود....
 بعضی از نمایندگان - آقا این پیشنهاد هنوز تمام
 نشده است.
 فهیمی - اخطار قانون اساسی را در هر موقع هر کسی حق
 دارد در مجلس بکند. هر قدر هم داد بزنید فایده ندارد (چنانچه
 یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم نشود بر عضویت
 مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف بد
 استعفا از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت میباشد) این ماده
 بطور واضح میفهماند که یک دفعه برداشتن مقدم وکالت میتواند
 شغل دولتی هم قبول کند ولی قبول شغل دولتی موجب انفصال
 او از وکالت می شود. این پیشنهادی که شده است سه
 ماه قبل استعفا بدهد که بلا فصله نرود در آن شغل سه
 ماه بعد اصلاً او وکیل نیست علت انفصال او از وکالت
 همان قبول شغل دولتی است و الا به محض اینکه استعفا داد
 صورت اشخاص عادی را پیدا میکند اینکه معین میکنند سه
 ماه مثل این است که وکالت الله است روی دامن اشخاص
 که اگر وکیل بخواهد شغل دولتی قبول کند سه ماه
 باید فرجه بدهد کفار بدهد تا پاک شود بعد برود شغل
 دولتی قبول کند در صورتیکه قانون اساسی این را نگفته
 قانون اساسی میگوید همان وکیل با اطلاق وکالت میتواند
 برود شغل دولتی قبول کند یعنی اگر شغل را قبول
 کرد منفصل است و اگر نگردد وکیل است حالا آن کسی
 که سه ماه فاصله میدهد اگر شغل دولتی قبول نکرد آیا
 این شخص دو مرتبه وکیل است؟
 بعضی از نمایندگان - خیر وکیل نیست.
 فهیمی - پس این اصل راجع باین شخص نمیشود این اصل
 راجع به کسی است که از روی صندلی وکالت يك شغلی قبول کند
 و برود روی صندلی وزارت و این ماده بریزد در نتیجه يك
 احساسات و ملاحظات شخصی و يك حرارتهائی یکی بر

علیه دیگری پیشنهاد شد این است که بنده پیشنهاد
 کردم از دستور خارج شود و برود بکمیسیون که يك
 هیئتی رسیدگی کنند اگر آنها تصویب کردند قبول می
 کنیم. در هر صورت چون بنده این را بکلی برخلاف
 قانون اساسی میدانم....
 جمعی از نمایندگان (با همهمه) اینطور نیست مخالف
 قانون اساسی نیست.
 فهیمی - رأی نمیدهم پیشنهاد هم کرده ام از دستور
 خارج شود
 جمعی از نمایندگان - (با همهمه) رأی بگیرد اکثریت
 حاکم است
 رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقابانی که تصویب
 میکنند قیام فرمایند
 (عده قلیلی قیام نمودند)
 رئیس - تصویب نشد. پیشنهادها قرائت میشود
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 پیشنهاد آقای بامداد. تبصره ذیل را پیشنهاد می
 کنم:
 تبصره - رأی دهندگان باید سواد فدرسی داشته
 باشند.
 رئیس - بفرمائید
 بامداد - بنده با اصل این ماده موافقت نداشتم
 ولی باماده الحاقیه موافقم. این ماده الحاقیه خیلی لازم است
 این طرح مبنایش بر اصلاح قانون انتخابات است. قانون
 انتخابات هم پایه مشروطیت است. کرا و درست شد
 بقیه هم درست میشود. آقبان پیشنهاد کنندگان
 و موافقین این طرح نظرشان این است که نفوذ های
 نامشروع در انتخابات اعمال نشود. پس حالا که میخواهند
 قانون انتخابات را اصلاح کنند خوبست علت العلل
 نفوذ های نامشروع را از بین بردارند. همه آقبان نیست
 سال است تجربه کرده اند که انتخابات حتی در خود

طهران بواسطه اینکه وسائل اعمال نفوذ نامشروع مهیا
 است بجه صورتهائی می افتد. بنده کاملاً موافقم با این
 دولت برن تمشای حق حاکمیت داشته باشند
 مشروطیت هم معنایش این است. دموکراسی معنایش
 این است. مراسم و عقیده هم این است. ولی
 این طرح آمده محدودیت فائد شده حالا که
 این طور میکسید پس کاملتر کنید یعنی موضوع نفوذ
 نامشروع را از بین بردارید که از طرفی هم کاملاً بمعرف
 خدمت کنیم تا این قدمی که برای تعلیقات عمومی و
 اجباری برداشته میشود رسا تر باشد و زودتر به تعمیم
 معارف که مقصودمان است برسیم. در ولایات حتی در
 حومه طهران میبینید فلان رئیس اداره آیه خودش را
 تحمیل میکند بر اشخاص باسواد...
 کارزونی - بله در طهران دیدیم
 بامداد - بنده علی المبدأ در اصل مطلب موافقم با شما ولی
 عرض میکنم همراهی کنید. زیرا آنوقت این بدبخت زرع را
 از سر خرمن بر میدارند دسته دسته میورند پتی صندوق
 انتخابات و از کسب و کار و زراعت آنها را باز میدارند
 مگر همه بن شنیده اید که میگویند آقایی پشه ما را
 بدهید که زودتر برویم بخرممان برسیم. این بدبخت توقع
 که نمیرد هیچ سرسبز خسارت هم میبرد ولی اگر رأی
 دهنده بسواد باشد نمیشود برش تحمیل کرد و بن سابقه
 هم دارد - حتی در تمام ممالک دنیا به آده بسواد
 حق دو رأی میدهند و این موضوع محرومیت يك عده
 هیچ سابقه نداشته ولی این موضوع خیلی سابقه دارد.
 بعضی از نمایندگان - در کجا؟
 بامداد - بلژیک. بنا بر این بنده عرض میکنم اگر
 بخواهید انتخابات ما يك چیز صحیحی باشد؟ اگر
 میخواهید موفق شوید بامتیاز فضلی. بویکیل خوب
 پیدا کردن. و اساسی شدن و پایه محکم شدن مجلس
 شورای ملی. باید رأی دهنده با سواد باشد و تصور
 میکنم این پیشنهاد میزان بی غرضی نمایندگان است.

رئیس - آقای آقای سید یعقوب
 آقای سید یعقوب - اولاً خوب بود آقای بامداد توجه
 بفرمایند که ما قانون انتخابات نمی نویسیم صحبت نظامنامه
 انتخابات نیست که منتخب نیست و چه جویری است.
 ثانیاً آقاجن حقیقت این است ولو اینکه کلاهی هستی دولتی
 اول درست است. بودید و در مدرسه خراسان و اینجا بوده اید
 حق سیاسی مثل تکلیف الهی است - سود تکلیف الهی
 نیست چطور مالیت بدهد اما انتخاب نکنند. بچه دلیل
 هم انصاف که شارع مقدس روز محشر کرده است بعد از
 بالغ شدن در تصرف امور خودش. در انتخابات و در
 سیاست مملکت هم همین سواد آزاد است آقای بامداد چرا
 برخلاف شرع حرف میزنند؟
 جمعی از نمایندگان - رأی بگیرد
 رئیس - فعلاً عده برای رأی کافی نیست بعضی
 پیشنهادات قرائت میشود.
 زور - استعفا میکنم اعلام بفرمائید که مجلس با
 کجا از اکثریت انداخته اند.
 یک نفر از نمایندگان منتظر الوزاره ها
 رئیس - پیشنهاد آقای محمدولی میرزا
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 پیشنهاد میرزا محمدولی میرزا
 قبل از شروع با انتخاب در سخن اقامت داشته یا اینکه از
 سادین همان محل باشند
 رئیس - آقای محمدولی میرزا
 محمدولی میرزا - در اینجا مذاکراتی که در اطراف
 این طرح میشود محدود است و يك مواد معینی در آن
 طرح هست که در جلسه سابق مذاکره شد و قرار شد
 آن مذاکرات در این جلسه تعقیب بشود بعد آقای بامداد داخل
 در اصلاح صولی قانون انتخابات شدند قانون انتخابات
 مشتمل بر دو ماده و سه ماده نیست چندین فصل است
 و سی و چهار ماده دارد و همه ماها هر کدام در حوزه
 انتخابیه مان تجربی داریم و میدانیم تقایص این قانون

در کجاست برای آقای... داد بک قسمتش برای بنده چندین قسمت دیگرش از جمله یکی مسئله انجمنها است و یکی مسئله کاندیدها. بنده بک پیشنهاد دیگری هم در این باب تقدیم کرده ام. یکی دیگر که مهمتر از همه قضایا است و در قانون مبهم است و مخصوصاً اصلاحاتی که در دوره پنجم شده است بقرصی بر آنهاش افزوده است آن را جمع به تشکیل انجمنهای فرعی است اگر واقعاً ما میخواهیم قانون انتخابات را اصلاح کنیم و آن جزء دستورات است بنده کاملاً آقایان را ذی حق میدانم که نظریات خودشان را بفرمایند و در آن مذکره شود و اگر خیر محدودیم بهمان طرحی که چند روز قبل مطرح شد دیگر بنده میدانم این حسود و زوربخت چیست. اگر میخواهیم وارد اصل موضوع انتخابات بشویم روبرو همین است که بنده این پیشنهاد را کرده ام و اگر خیر آقایان میخواهند خودشان را محدود کنند بختگاه مذاکرات جلسه گذشته بنده هم پیشنهاد های خودم را مسترد میدارم.

بعضی از نمایندگان -- پس گرفتند.

رئیس -- آقای روحی

روحی -- عرض میکنم بنده می بدم رفته رفته سوء استفاده از حق پیشنهاد دادن میشود و بک تاثیرات بدی را در مجلس ایجاد میکند قانون انتخابات که مطرح نیست بک موادی بود که آقای دشتی و جمعی از آقایان نمایندگان طرح قانونی پیشنهاد کردند قانون انتخابات خرابی های دیگر هم دارد قسمتهای دیگرش هم نقص دارد و بنده خودم هم در بعضی موادش نظریاتی دارم و حتی بک اصلاحاتی است که در عمل دیده ام و نوشته شده است در موقع مناسبی تقدیم مجلس میکنیم و از آقایان محترمه خواهشمندم هر نظری دارند در آن مورد اظهار کنند و بک پیشنهادات بی مورد را بفرمایند حالا هر چه بوده است مجلس رأی داده است و تصور میکنم اگر رأی به مجمع این طرح هم ندهند باز مشکوک است یعنی اگر این اشخاص بخواهند بآن ترتیب وکیل شوند

وکالت آنها مشکوک است و اینرا هم نمیتوانیم تصدیق کنیم که آنها تمام وکالت به مجلس شورای ملی بیاورند بنابراین خواهش می کنم آقایان پیشنهادات خودشان را پس بگیرند و بعلاوه بک فکری بکنند برای خرابی نظامنامه. این وضعیت خون نیست که پنج نفر مجلس را از اکثریت بپندارند و بنده از مقام ریاست استعفا میکنم بنفس بدهند.

بعضی از نمایندگان (باهمه) -- مسترد داشتند
مخدولی میرزا -- اگر آقای بامداد مسترد داشتند بنده هم مسترد میدارم

(پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا به شرح سابق خوانده شد)
رئیس -- رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانکه موافقت قیام فرمایند
(عده کمی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. رأی میگیریم پیشنهاد آقای بامداد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده قلیلی برخاستند)

رئیس -- اینهم تصویب نشد. پیشنهاد دیگر آقای بامداد.
(شرح ذیل خوانده شد)

این تبصره را نیز پیشنهاد میکنم تبصره -- از عده نمایندگان طهران یکسفر کسر و به شمیرانات و لواسانات و اورنگه مستقلاً یکسفر بکند بنده داده میشود

رئیس -- آقای بامداد

جمعی از نمایندگان -- تشریف ندرند

رئیس -- پیشنهاد آقای خواجوی

(بشرح آتی قرائت شد)

این جانب پیشنهاد میکنم که جمله اول از قرار ذیل اصلاح و نوشته شود:

کلیه مأمورین دولتی ووزراء در سر خدمت ملی آخر رئیس -- این پیشنهاد لایحه دیگر مورد ندرند
خواجوی -- بنه

رئیس -- پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میدارم بجای اینکه اشخاص تشریف در حوزة انتخاب بده کاندید وکالت شوند باید لا قول دوست نفر اشخاص با خود معرف آنها باشد و هویت آنها را مقامات رسمی اگر سجل حول آنها تصدیق نمایند.

محمد ولی میرزا -- بنده مسترد کرده

رئیس -- پیشنهاد آقای احتشام زاده

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم

ماده الحاقیه -- اعضاء انجمنهای نظارت انتخابات از حق انتخاب شدن در حوزة مربوطه محروم هستند
رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- برای اینکه آقایان نمایندگان بفرمایند خارج از موضوع و مربوط به اصلاح قانون انتخابات است عرض میکنم بهمان نظر که بن طرح تقدیم شد و خوشتریم از اعمال نفوذ جلوگیری کنیم و موکول نگردید اصلاح این قسمت را باینکه در قانون انتخابات تجدید نظر بشود بنده عرض میکنم بهمان دلیل اعضاء انجمنهای نظارت انتخابات هم بایستی از حق انتخاب شدن در حوزة مربوطه محروم شوند بدو دلیل اولاً برای اینکه چون آقایان وارد درکار و عامل امر انتخابات هستند بیش از هر کسی اعمال نفوذ میکنند در انتخابات. و بک مسئله دیگر هم این است که آقایان حاکم قضیه هستند راجع بجزایر انتخابات. البته بک نفر که خودش کاندید می شود نمیتواند بیطرف باشد تا بتواند بیطرفانه قضاوت کند و بک حقی را که ملی است بدست یک اشخاصی که صاحب غرض هستند نمیشود واگذار کرد. باین جهت

برای اینکه تاخص بک عضو انجمن هستند که از آنها عمل نفوذ کنند بعلاوه برای اینکه حکومت در دست انجمن نظارت است و حاکم بود بیغرض باشد بنده پیشنهاد کرده و تقاضا کرده در این موقع که قنای انتخابات بواسطه این طرح اصلاح می شود این صلاح هم عمل نمایند تا اینکه عضو انجمن نظارتند بتوانند وکیل شوند.

عضوی از نمایندگان -- رأی بگیرند

رئیس -- آقای آقاسیدبعتوب

آقاسیدبعتوب -- بنده استعفا میدارم از آقای احتشام زاده و هم چنین سایر نمایندگان محترمه که باین پیشنهادی که آقای آقاسیدبعتوب حقیقه از روی عقیده یکی کرده اند مه لغت میکنند. منظرمان این بود که مملکت بیست حاکم و ملاقات و منتفحات باشد و دوامی در مجلس و هیئت وزراء باشد و البته شاه هم عیدنامه همین عقیده را دارد که مملکت ده سال بعد مال کابینه اش باشد. کار کند و در مجلس هر روز کماتش نداشته بشود. پس این پیشنهادی که عیت خودتان هم تصدیق مفرم کردید که مال ملت و دیوار است که هر دو بسته همیشه دغنه این راه در آن هم ذکر شد که بک نفری دولت دارد که آنرا مستخدمین درات خلط میکنند در قنای شخصی خودشان ولی وقتی که بک کسی وکیل شد واه اینکه در انجمن نظارت هم باشد بچنین اختیاری درات داده است که اعمال کنند باینکه بنده خواهش میکنم که ختمه این پیشنهادات بدهید که بک خدمت نزرگی به مملکت کرده باشیم.

احتشام زاده -- بنده مسترد میکنم

بعضی از نمایندگان -- احسان

رئیس -- مذاکرات راجع تکلیفات است. مخالفی نیست

افسر -- بنده مخالفم

رئیس -- بفرمایند

افسر - عقیده بنده این است ...

يك نفر از نمایندگان - مختصر بفرمائید

افسر - میفرمائید هیچ حرف نزنم . هر وقت بنده

ده کلمه حرف زدم آنوقت بفرمائید مختصر باشد عقیده

سیاسی بنده این است که عمره اهلی ...

انتخاب کردن دارند و بشرط ایقت هم حق انتخاب شدن

این يك حق عمومی ملی جماعتی است که حق لامکان

یا يك ادله قوی در مقابلهش پیدا میکنند

نباید این حق را از مردم سلب کنیم البته يك خانه

خران که مال چند نفر باشد وقتی میخواهند تعمیر کنند باید

بصاحبان آن مراجعه کرد و آنها را شرکت داد در آبادی

آن خانه مگر اینکه صغیر یا دیوانه در زمین آنها باشد

که ولی و قیم لازم داشته باشد این قسمت اولیه را

که راجع به حق انتخاب است بنده کاملاً مخالفم و باید

عمومی باشد و بکلی مسئله با سود و امثال ذلك را

بنده مخالفم . در موضوع انتخاب شدن در میان شدت

نمی توان تعمیم داد یعنی شرط ایقت بقدری لازم است که

وقتی زمین امور مملکت را در دست میگیرند آنگاه آنها

بمیتواند مؤثر در آبادی و ترقی و سعادت و شقاوت مملکت

باشد لهذا اشخاصیکه کلیه تحصیل کرده و رسو دند و

اشخاصیکه شایسته وکالت هستند نباید آنها را بکلی از

حق انتخاب محروم کرد . البته نسبت به نظامی و حکام

آنهائی که احتمال میرود که مؤثر در امر انتخابات هستند

و نفوذ آنها تأثیری در باب عدم آزادی ملت دارد این

قسمت را باید رعایت کرد ولی بنده هر چه فکر میکنم

نمی توانم تصور کنم که فلان نبات اداره کمرک و هینشی

اوقاف و حفظ الصحه در فلان ولایت او بجه مناسب

باید محروم شود و حقوقش از بین برود ...

بعضی از نمایندگان - مربوط به نبات نیست

مدرس - راجع برؤسا است

افسر - قسمت دوم این است که بنده وزراء را عقیده

ندارم و در قسمت وکلا هم عقیده ام این است که اصول

است که هر قانونی که شکلائی داشته باشد و در موقع

عمل و آزمایش تقاضش معلوم شود در نای آنرا بمجلس

پیشنهاد کنند . ماده که احزاب سیاسی در مملکت

نیست بنده عقیده دارم که هر قدر از این تخمیلات

نسبت به ملت جلوگیری بشود اصلاح جامعه است و

هر قدر از این اصلاحات برای اصلاح انتخابات بشود

صلاح است مگر آنروزی که حزب عمومی شود و در این حوزی

شود و الا مادام که اینطور نشده باید از نفوذ های

نامشروع جلوگیری کرد .

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - عرضی ندارم .

رئیس - باید چند دقیقه تعطیل شود .

جمعی از نمایندگان - خیر . خیر آقا

محمد ولی میرزا - بنده در کلیات اجازه خواسته ام

رئیس - بفرمائید .

محمد ولی میرزا - عریضی که بنده میخواهم عرض

کنم آنطوریکه البته نظر محترم آقایان است در موضوع

این پیشنهاد است بنده هم صولا موافقم و خود بنده

بکسی از امضاء کنندگان این طرح بوده و نظر

موافق داشتم . هر چند در يك قسمت آن نظری

داشتم و پیشنهادی هم داده بودم و بعقیده بنده هم

همان بود که پیشنهاد کرده . علی ای حال در کلیات هم

موافقم و فقط در يك جمله بود که یکی از نمایندگان

محترم در پیشنهادشان توضیحائی دادند برای محروم داشتن طبقه

ملاکین از انتخابات . هر چند در مجلس عکس این

مسئله ثابت شد و هیچ تأثیری نکرده و قابل توجه نگردید

و در سه نفر بیشتر در این مسئله شرکت نکردند ولی

اصولاً بنده لازم میدانم عریضی عرض کنم چون

یکی از مسائل مهمه اجتماعی این مملکت است و باید

اگر يك اشخاصی با کمی اطلاعات و عدم بصیرت اظهارات

در مجلس شورای ملی میکنند آن کسانی که یکقدری بیشتر

وارد در این قضایا هستند و از این مسائل اجتماعی آگاه

هستند و از طرز زندگانی رعیت و مالک مطلعند و موظفند

که توضیحاتی و اطلاعاتی بدهند . بنده محترم که در

پیشنهادشان توضیحاتی دادند طوری جاوه دادند که يك

طبقه در این مملکت هست که مالک هستند ...

(همه هم نمایندگان . صدی زانک رئیس)

محمد ولی میرزا - اجازه بفرمائید . خواستند تجزیه

بفرمائید مالک را از زراعت و دهقان و کسانی که

زندگانی و گذران خودشان را از امر فلاح و

زراعت می کنند . در صورتی که بکلی

در عمل این مسئله وجود ندارد . بلکه بواسطه مسائل

دینی و اخلاقی ما بهرجه هست در ایران طبقه مالک

و زراعت و دهقان مفروز نیستند و اندازه در زندگانی با

هم مخلوط هستند و بین آنها در افعال و اعمالشان کاملاً

ارتباط هست و بنده محترم اظهاراتی را که این جا فرمودند

بیشترش ناشی از بیاطلاعی از وضع و رسوم زندگانی آنها

بود .

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - در این موادی که گذشته است بنده

روی هم رفته در کلیاتش موافقم بجهت اینکه هم در انتخابات

مؤثر است و هم در جریان مجلس شورای ملی . و اینکه

عرض کردم روی هم رفته برای اینست که يك تأثیر

قطعی در انتخابات ندارد . البته يك عده را ما محروم

کردیم ولی محروم کردن يك عده دلیل بر حسن جریان انتخابات

نخواهد شد . ما باید رفع علت را کنیم ما اگر رفع

علت را بکنیم بهتر از این است که دنبال

معلول بگردیم فرضاً که بکعبه از رؤسای ادارات هم

انتخاب نشوند سؤال میکنم آیا انتخابات روی يك جریان

صحیحی خواهد بود؟ بعقیده بنده در این مسئله جوانی

نیست که به بنده بدهید . زیرا قسمت عمده انتخابات آنست

که شرائط انتخاب کنندگان صحیح باشد . اگر شرایط

انتخاب کنندگان و طرز انتخابات صحیح شد آنوقت آنها

هر کسی را که انتخاب کنند خوب می شود ولی وقتی که شرایط انتخاب کنندگان یا طرز انتخابات صحیح نباشد آنوقت هر روز ما باید بنشینیم يك حدود و حقوقی معین کنیم که فلان عده حق انتخاب شدن نداشته باشند. در صورتیکه اگر قوانین را درست بچریان بپنداریم و در انتخابات تهدید و تطمیع نکنند یعنی اشخاص را که تهدید و تطمیع میکنند از نقطه نظر قانونی در خارج مجازات شوند و در مجلس هم اشخاصی که باین طرز انتخاب میشوند نمایندگان اعتبارنامه آنها در مجلس رد نمایند دیگر قطعاً کسی نمیرود يك جریان صحیحی را تعقیب کند برای اینکه وکیل شود. در ممالک خارجی همه سعیشان این بوده است که جریان انتخابات را درست کنند یعنی طرز انتخابات را از نقطه نظر انتخاب کنندگان و دولت درست کرده اند. شرط انتخاب کنندگان در ممالک خارجی اول این بوده است که انتخاب کننده باید يك نمولی داشته باشد علت این ترتیب چه بوده؟ بواسطه این بود که همچو تصور میرفت کسیکه نمول داشته باشد نمیرود رأی خودش را بفروشد. کسی که هزار تومان نمول داشته باشد محتاج نیست به اینکه دو قران بگیرد و رأی خودش را بفروشد. و چون در ممالک خارجی در آن اوقات علم و معارف اینقدرها وسعت و توسعه نداشته است مردم درست نمی توانستند قضاوت کنند این بود که این ترتیب قرار دادند. یعنی اگر انتخاب کنندگان با يك شرایطی محدود میشدند آنها می که يك نمولی داشتند کمتر زیر بار تطمیع میرفتند تا آنها می که هیچ استطاعت نداشتند ولی بتدریج که معارف توسعه پیدا کرد این شرایط هم از انتخاب کنندگان برداشته شد. ما هم امروزه اگر آن شرایط را نمی توانیم در مملکت خودمان قید و اجرا کنیم ولی اگر يك روزی پیش بیاید که شرط سواد داشتن را برای انتخاب کنندگان قید کنیم خیلی خیلی خوب است ولی البته این مسئله محتاج باین است که نمایندگان مجلس شورای ملی کاملاً دقت کنند که يك

شرایط اساسی و حقیقی برای انتخاب کنندگان معین و منظور کنند نظر بنده این است که انتخاب شوندگان باید در يك قسمت هائی محدود و محروم باشند و جریان انتخابات هم باید درست شود و همینطور طرز و شرایط انتخاب کنندگان هم باید درست شود تا انتخابات صحیحاً بعمل آید دیگر اینکه در اروپا برای اینکه انتخابات صحیحاً بعمل آید آمده اند و انتخابات را دو درجه قرار داده اند برای اینکه اگر فرضاً در درجه اول وکیل انتخاب شود چون میدانند که در درجه دوم انتخاب او قطعاً نیست و اطمینان ندارد که حتماً در درجه دوم انتخاب می شود دیگر عقب این کار نمیرود. از این جهت است که سه برابر چهار برابر عده که لازم است در درجه اول انتخاب میکنند آنوقت از میان این عده آن اشخاص و آن چند نفری که برای رفتن به مجلس لازم است در درجه دوم انتخاب خواهند شد. مسئله اصلاحات انتخابات یکی مربوط به طرز و جریان انتخابات است و یکی هم شرایط انتخابات است ولی در اینجا بنده خواستم بطور جمله معترضه عرض کنم که بنده بطور کلی با این لایحه موافقم ولی نه با تمام لایحه بلکه با يك قسمتهائی از آن. آن قسمتی را که بنده مخالفم این است که اگر بنا شود هر روزه ما يك عده را از انتخاب شدن محروم کنیم این درست در نمی آید. ما اساساً باید کاری بکنیم که طرز انتخابات اصلاح شود و معلوم شود که انتخابات ما باید يك درجه باشد با دو درجه و يك فکر اساسی باید بکنیم نه اینکه همه روزه بکعده را محروم کنیم

اما راجع به تأثیراتی که همین ماده که بنده پیشنهاد کرده ام در جریان انتخابات دارد لازم است شرحی عرض کنم. ملاحظه فرمائید چه بسا اشخاصیکه جامع و واجد شرایطی نیستند برای اینکه وزیر بشوند و داخل اداراتی بشوند سعی می کنند بهر وسیله که هست انتخاب و وکیل مجلس شوند چون میدانند که وکالت پله وزارت است.

بنابراین اگر این جا در باز شد برای اینکه يك عده

وکیل شوند و بعد بیرون بروند و وزیر شوند قهرآ انتخابات صورت طبیعی پیدا نمی کنند و از حالت عادی و طبیعی خودش خارج میشود علاوه این مسئله يك ظلمی است نسبت باشخاص صاحب سابقه و تحصیل کرده که در ادارات هستند بجهت اینکه ممکن است يك اشخاص بی سابقه و تحصیل نکرده وکیل بشوند (زیرا وکیل را نمیشود گفت که حکماً باید تحصیل کرده باشد) و بعد وزیر شوند و بروند یکی از وزارتخانهها و حکومت کنند بريك اشخاص با سابقه تحصیل کرده که سالیان دراز است مشغول خدمت هستند و این البته خوب نیست. ما اگر می خواهیم نظر اصلاحی داشته باشیم و بخواهیم مصالح مملکت را حفظ کنیم باید يك شرایطی برای وزارت قائل شویم وقتی که ما برای ورود يك نصاب در اداره يك شرایطی قائل میشویم بطریق اولی باید برای وزیر شدن هم معتقد بیک شرایطی باشیم نه اینکه معتقد شویم که يك کسی بدون هیچ سابقه و شرطی میتواند وزیر شود.

قسمت دیگر عرض بنده این است که باین ترتیب هیچوقت اکثریت عقیده در مجلس شورای ملی پیدا نمیشود زیرا يك نفری که میاید در مجلس و يك نفوذی دارد خودش را وکیل باشی میکند باین معنی که عده را دور خودش جمع میکند و میگوید من يك فراکسیون تشکیل میدهم و شما هم با من همراهی کنید تا وزیر شوم و همینکه فردا رفتم بوزارت خانه با شماها همراهی خواهم کرد. با این ترتیب هیچوقت يك اکثریت عقیده در مجلس پیدا نخواهد شد. و آن فراکسیون که اینطور تشکیل میشود حتی الامکان سعی میکنند دولت ها را متزلزل کنند برای اینکه خودشان وزیر شوند و البته دولتی که متزلزل شد هیچ نمیتواند کار بکند. برای اینکه يك دولتی موفق شود کارهای اساسی و صحیح در مملکت بکند باید دو سه سال پنج سال دوام داشته باشد تا بتواند کاری که شروع کرده تمام کند ولی بر عکس دولت متزلزل هیچ کاری نمیتواند بکند و عقیده شخصی بنده این است که اگر يك دولتی

بحد متوسط هم که باشد اگر دوام داشته باشد بهتر از يك دولت خیلی خوبی است که دوام نداشته باشد و مثلاً دو سه ماه بیاید و هیچ کاری نکند و برود.

مسئله دیگر این است دولت ها وقتی که بی دوام شدند کارهای اداری با صورت صحیحی در نیاید. مثلاً فرض فرمائید يك وزیر عدلیه میاید که خیلی خوب هم هست ولی چون این کابینه دوامی ندارد و دوسه ماه مثلاً بیشتر نیست نمیتواند کار کند پس برای اینکه يك عقیده ثابتی در کابینه و در وزارتخانهها باشد باید دولت ها سه سال چهار سال پنجسال باقی بمانند تا بتوانند يك کارهای برای مملکت بکنند. فلسفه که برای ورود مستشاران امریکائی و خارجی داریم همین است که میگویند چون کابینه های این مملکت ثابت نیست و چون وزراء نمیتوانند کار خودشان را تمام کنند بنابراین برای اداره کردن امور مملکت عضو ثابتی لازم است تا بتوانند کارهای مملکت را اداره کنند. و چون عضو اداری هم نمیتواند کار کند زیرا هر روزی که میاید ممکن است او را تغییر دهد از این نظر قائل شده اند بلکه يك کسی باید بیاید که در این جریانها تغییر نکند و متزلزل نشود و ثابت باشد بالاخره باید برای ادارات و وزارتخانهها مستشاران خارجی آورد و امورات را بدست ایشان سپرد. بنده خیلی خوشوقتم آنها می که واقعا عقایدی دارند بیایند و از عقیده خودشان حرف بزنند و نظریه شان را اظهار فرمایند این است که بنده از آقایان استدعا دارم با این مواد موافقت فرمایند که با اتفاق بگذرد و تصویب شود.

رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- بنده این توجه کامل آقایان نمایندگان محترم را نسبت به صحت جریان انتخابات و جلوگیری از هر اعمال نفوذی تقدیر و تقدیس میکنم و البته بر حسب نمایندگان و وظیفه شناسی بایستی پیش از این ها هم دقت کرد تا ملت بتواند با حسن وجود از

این حق ملی خودش استفاده کند ولی بنده خیال می کنم برای جلوگیری از اعمال نفوذ و حسن جریان انتخابات هیچ مناسب و مقتضی نیست که يك طبقه را از حق انتخاب شدن محروم کنند در جلسه گذشته هم عرض کرده وضعیت طوری است که در مملکت ماعده اشخاص تحصیل کرده خیلی کم است و این عده هم که هستند اکثرشان در ادارات دولتی مستخدم هستند بنده نمی خواهم تخصیص بدهم منظور الفکر ما را به اجراء ادارات البته در خرج هم هستند ولی خیلی کم و بیشتر آنها در خدمات دولتی هستند و اگر نخواهیم بعنوان این که اعمال نفوذ میکنند از حق انتخاب محروم کنیم عیناً مثل این است که بعنوان جلوگیری از نفوذ اصلاً تمام اشخاصی را که ممکن است احتمال بدهیم که در انتخابات تهدید و اطمینان کنند از حق انتخاب شدن محروم کنیم بین جهت بنده عقیده دارم به جای اینکه از اعمال نفوذ جلوگیری شود و اشخاص را از انتخاب شدن محروم کنیم و باین ترتیب جلوگیری کنیم بهترین است که در صحت جریان انتخابات دقت و مراقبت کنیم نه اینکه يك طبقه متنوری که وجودشان برای مجلس مفید است از انتخاب محروم کنیم. يك مسئله دیگری که میخواستم عرض کنم این بود که در جلسه گذشته عرض کردم و حالاً هم این جا بعنوان مخالفت عرض میکنم و آن مسئله ملائین است بنده میدانم و کاملاً عقیده ام این است که ملائین بیش از هر کس میتوانند اعمال نفوذ کنند...

بعضی از نمایندگان - نفوذ مشروع است نه نامشروع (همهمه نمایندگان)

احتمال زاده - بنده اجازه خواسته ام. اجازه بفرمائید که يك فرد اقلیتی عقیده خودش را بگوید اگر هم نمی خواهید عرض نمی کنم. تردیدی نیست که بر حسب وضعیتات زندگانی طبقه رعیت با طبقه ملاک فرق دارد. تصدیق میکنم که همه ایرانی

هستند ولی منفعت طبقاتی رعیت و منفعت طبقاتی ملاک فرق دارد و هر طبقه دستة البته باید برای حفظ حقوق خودش يك نمایندگانی داشته باشند تا بتوانند حقوق و منافع طبقاتی خودشان را حفظ کنند. ما اجازه می دهیم به ملائین که بدست رعیت (رعیتی که متأسفانه رشد ندارد و نمی تواند حق خودش را اعمال کند) این رعیت زحمت کش بی سواد که هیچ نمایندگانتخاب چیست خودشان را انتخاب کنند و وکیل بشوند و به مجلس بیایند...

بعضی از نمایندگان - (با همهمه) - شما حق ندارید این حرف را بزنید

احتمال زاده - بدیهی است که این آقایان در این جا برای منفعت طبقه رعیت کار نمیکنند بلکه مدافع حقوق طبقه خودشان هستند و بنابر این بنده جایز میدانم که ملائین بدست رعیت وکیل شوند و در این جا بیایند و در نتیجه بر علیه طبقه رعیت کار کنند...

(همهمه نمایندگان - صدای زنگ رئیس)

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست آقا. شما میخواهید بین رعیت و ارباب اختلاف بیندازند.

احتمال زاده - در هر صورت بعقیده بنده ناموقعی که رعیت رشد پیدا نکنند و در جریان انتخابات مراقبت کامل پیدا نکند اگر همه طبقات را هم از حق انتخاب شدن محروم بکنیم باز بعقیده بنده جریانات جریان خوبی نخواهد بود و انتخابات مطابق اراده ملت بعمل نخواهد آمد خوب حالا که این طور است بنده هیچ سزاوار و صحیح میدانم که يك طبقه معینی را از حق طبیعی خودشان محروم کنیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - عده کافی نیست چند دقیقه تعطیل می کنیم.

کازرونی - می نشینیم آقا. صبر میکنیم.

زوار - بی صبر میکنیم تا منتظر الوزاره ها بیایند.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در چه موضوع میفرمائید؟

رئیس - راجع به کلیات موافق بودید بفرمائید.

فیروز آبادی - البته بنده موافقم و امیدوارم که در نتیجه تصویب این قانون و این ماده هم مجلس صلاح شود و هم اینکه وزارت خانه ها اصلاح شوند و هم کارهای دولتی روی مجرای صحیح خودش گردش و سیر کند و هم در موقع انتخابات کسی به طمع وزارت نیفتد و مردم فشار نیاورد خلاصه آنکه بجهت دیگری که همه بهتر از بنده میدانند بنده این قانون را خیلی خوب میدانم و خیلی صحیح هم میدانم و مخالفین این قانون را هم بنده نمیدانم چه نظری دارند که اینطور مخالفت می کنند و مجلس را از اکثریت می اندازند و اسباب زحمت خودشان و مجلس را فراهم میآورند و بنده هیچ عقیده ندارم که آنها یعنی آقایان مخالفین در این موقع نظریه شخصی خودشان را اعمال کنند و مجلس را از اکثریت بیندازند - اگر این ترتیب را ادامه دهند کم که چهار ملت ملتفت خواهد شد که نظریه آنها چیست و برای خودشان هم خوب نیست این نظریه بنده است و امیدوارم آقایان بیش از این مخالفت و اصرار نکنند و بگذارند این مشروطیت چند ساله ایران مشروطه خوبی بشود و وکلاء از روی تمایل و عقیده مردم انتخاب شوند نه از روی فشار و تهدید. این نظریه بنده است و بنده کاملاً با این ماده موافقم و امیدوارم که آقایان مخالفین همین نظر و عرایض بنده را در نظر بگیرند و از مخالفت خودشان صرف نظر کنند تا بلکه انشاء الله کارهای مملکت اصلاح شود و البته در ضمن اصلاحات کلی و مملکتی خودشان هم استفاده خواهند برد. اغراض شخصی را باید کنار گذارد و آقایان مخالفین نباید این خیال را بکنند که وزیر بشوند ولی مملکت بروز سیاه بیفتد. آنها وزیر بشوند ولی مجلس از اکثریت بیفتد. وزیر بشوند ولی کابینه ها همه روزه گرفتار بحران باشد. وزیر بشوند ولی مجلس

با این شکلی که حالا می بینید باشد. خوب! این وضعیت را برای مجلس کی درست کرده؟ طالبین وزارت. پس سزاوار نیست که همان ملت را بگیرند و مجلس را این شکل بیندازند و تصور کنند این سیصد تومانی که ما میگیریم کافی نیست خوب است وزیر شویم. حقوق کافی ببریم. بنده این نظریات را خوب و به صلاح مملکت نمی دانم و عقیده دارم آقایان مخالفین از نظریات خودشان صرف نظر کنند و در مجلس بیایند بنشینند و برای مملکت کار کنند

بعضی از نمایندگان - احسان. مذاکرات کافی است.

رئیس - آقای ارباب کبخسرو

ارباب کبخسرو - بنده در اصل این طرح حلال عرضی ندارم. اگر چه در قسمت اولش مخالف بودم ولی پیشنهاد بعدی خیلی بنده را اصلاح و تأمین کرد. ولی قسمتی را که بنده می خواستم عرض کنم این است که معلوم نیست این قانون از کی و از چه تاریخی باید بموقع اجرا گذارده. اگر چه در کلیات داخل شده ایم ولی يك چیز ناقصی را خود مجلس اصلاح کند بهتر از این است که همینطور ناقص بماند. بنده يك پیشنهادی کرده بودم که از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذارده شود. دیگر بسته بنظر آقایان است.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

مدرس - بی همینطور است.

رئیس - بعد از اینکه وارد شور در کلیات شده ایم

نمیدانم همچو چیزی را میشود پیشنهاد کرد یا خیر؟

جمعی از نمایندگان - خیر آقا. مطلب معلوم است.

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر) پیشنهاد

آقای ارباب کبخسرو قرائت میشود.

(با این مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر قانون مزید بشود این

قانون از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذارده میشود.

رئیس -- قبلاً باید معلوم شود که میشود این پیشنهاد را مطرح کرد یا نه ؟
ارباب کیخسرو -- مقصود بنده این بود که در اینجا مذاکره شود و تکلیف معلوم باشد حالا که مذاکره شد بنده دیگر اصراری ندارم و مسترد میدارم .

رئیس -- آقای فرمند راجع بکلیات اظهاری دارید بفرمائید .

فرمند -- بنده موافقم .

رئیس -- بفرمائید .

حاج آقا رضا رفیع -- دو موافق میشود حرف بزند .

رئیس -- آقای ارباب مخالفت کردند . ایشان موافقت .

فرمند -- عرض کنم بعضی ها در بیرون به بنده فرمودند که این طرح ممکن است قدری مخالف با حکومت ملی باشد بنده مخالف با این اظهار هستم . بلکه برخلاف بعقیده بنده این طرح حکومت ملی را قوت میدهد و بهیچ وجه مخالف با حکومت ملی هم نیست . و سابقه هم دارد ، در جمهوریت اول فرانسه يك قانونی در آن مملکت گذشت و يك مدتی هم موقع اجرا بود که وکلاء حق دارند وزیر شوند و مشاغل دولتی هم داشته باشند ولی در جمهوریت دوم فرانسه این قانون ملغی شد زیرا جنبه حزبی نداشت و جمهوریون قوی شده بودند لذا این قانون را ملغی کردند . امروز در فرانسه عدهای بزرگ و مخصوصاً از علمائی که در مجلس وکیلند مثل ایوگوبو معتقدند که یکی از فوائد جمهوریت و مجلس فرانسه خارج نشدن وکلاء است . و امروزه این فکر دارد در تمام اروپا نشر پیدا میکنند که قوه مقننه و قوه مجریه باید با هم مخلوط نشوند و موازنه داشته باشند و برخلاف سابق امروزه این عقیده را دارند که قوه مقننه و قوه مجریه باید از یکدیگر مجزا و متمایز باشند و از هم جدا باشند و يك موازنه نسبت با آنها وجود داشته باشد و این

است و از این جهت تنقید نباید کرد .

رئیس -- آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق عرضی ندارم .

رئیس -- آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی -- اگر چه مذاکرات بقدر کفایت

شده است و محتاج باینکه چیزی عرض شود نیست ولی از اینکه

حضرت والا شاهزاده محمدهاشم میرزا از نقطه نظر مملکتی

مخالفت فرمودند ولی بیرون تشریف نبردند خیلی تشکر میکنم

کاش همه آقایان هم از روی عقاید مملکتی فرمایشات خودشان را

میکردند و خارج نمیشدند و مجلس را هم از اکثریت

نمی انداختند . اما اینکه فرمودند يك عده محروم می

شوند عرض میکنم هیچ همچو چیزی نیست . کسی از

حق محروم نمیشود منتهی ما میگوئیم رؤسای ادارات

برای اینکه اعمال نفوذ میکنند نباید از محل مأموریت

خودشان انتخاب شوند یا همینطور وزراء یا معاونین آنها

چون در تمام مملکت میتوانند اعمال نفوذ کنند از این

جهت نباید انتخاب شوند . این محرومیت نیست . يك

نفوذی را که باید از آن حسن استفاده کنند سوء

استفاده میکنند . نفوذ مجلس و دولت را بخرج میدهند

برای اینکه وکیل و وزیر شوند و این البته سوء استفاده

است والا واقعاً اگر چنانچه این آقایان طرف اعتماد

مردم هستند با محل توجه مردمند چه ضرر دارد که از محل

دیگری انتخاب شوند نه از آن محلی که در آن مأموریت

دارند . عرض اینست که هیچکس را محروم نکرده ایم

این مثل این است که بنده بگویم يك شخص مقتدری

حق ندارد از محلی انتخاب شود خبر ما این طور نگفته ایم

ما میگوئیم اگر این شخص واقعاً اقتدار دارد و نمیخواهد

از نفوذ و قدرتی که با او سپرده شده سوء استفاده کند

چه ضرر دارد که از جای دیگر انتخاب شود . چه

الزامی است که حکماً از آن محلی که مأموریت دارد باید

انتخاب شود ؟ و بقوه قهریه وکیل بشود ؟ این خوب

نیست و مخالف شؤن ملی است . پس ملاحظه بفرمائید

رئیس سجل احوال بودند اعمال نفوذ کردند (حالا

بنده کاری ندارم که خودشان کردند یا دیگری) ملائین

هم اعمال نفوذ میکنند منتهی نفوذ مشروع ولی

ایشان يك جمله فرمودند که ملائین به رعایایشان

علاقه مند نیستند بنده رسماً این جمله را تکذیب میکنم

بعد از خداوند رزاق ما ملائین رعایا هستند

چطور می شود که ما با آنها علاقه مند نباشیم

بعلاوه این مسئله کاملاً ثابت شده که ملائین همیشه علاقتند

بزارعین میباشد برای اینکه منافع مشترک با هم دارند که

آنها را بیکدیگر وصل میکند چنانچه در هر جامعه که منافع

مشترک وجود داشته باشد قطعاً علاقتی هم بینشان وجود

دارد دیگر عرضی ندارم

رئیس -- آقای افسر

محمد هاشم میرزا افسر -- چون آقای فیروز آبادی

فرمودند که هر کسی مخالف است بیرون میرود و

مجلس را از اکثریت می اندازد عرض میکنم که بنده

شخصاً کسی هستم که با این طرح مخالفم ولی بیرون هم

نرفتم و مجلس را هم از اکثریت نینداختم و خیال وزارت

هم ندارم و فقط از مد نظر حفظ حقوق ملی و ملی بودن

انتخابات که الان هیجده سال نیست سال است متصل

صحبت از حفظ حقوق ملی می شود مقتضی نمی دانم يك

اشخاصی از حقوق ملی خودشان محروم شوند چون فقط

وکیل بابد سواد فارسی داشته باشد که بتواند بخواند و بنویسد

بنا بر این بعقیده بنده هیچ منافات ندارد که این اشخاص

هم انتخاب شوند و مصلحت مملکت هم مقتضی این نیست

که يك اشخاصی را ما محروم کنیم . بنده از نقطه نظر

اصول مخالفم و با این ترتیب هیچ خارج نشدم و آنهایی

هم که بیرون رفته اند چون حاضر نیستند و غائبند اگر

آقا اعتراضی داشتند خوب بود صبر میکردند تا خودشان

میآمدند و دفاع میکردند . عقیده سرکار در مصلحت

مملکت این است که فرمودید و عقاید دیگران هم همان

است که اظهار میدارند عقیده هر کس هم برای خودش محفوظ

عدم تناسب دولت ها در مالکی که ما می بینیم و کلاء

حق دارند وزیر شوند بر علیه مصالح مملکت است از طرف

دیگر باید دانست که حس نفع پرستی را از هیچکس

نمی توان گرفت . و کین وقتی که آمد در مجلس البته

میل دارد خدمانی بکنند و برود وزیر شود . و برای این

مقصد هم در مجلس دسته بندی میکند و برای رسیدن به

وزارت دسته بندی میشود و این عدم تناسب دولت ها

برای مملکت مضر است . این است که این طرح بعقیده

بنده از نقطه نظر تناسب قوه اجرائیه برای حکومت ملی

ما خیلی نافع است و نیز از نقطه نظر اینکه گفته شود

که ما فقط اعضاء ادارات را از انتخاب شدن محروم

کردیم خوب است در این موقع مجلس ششم این فداکاری

را نسبت بخودش بکند و این حق را از خودمان بگیریم

گرچه آن محرومیت اعضاء ادارات هم يك محرومیت نسبی

بود نه مطلق ولی ما باید این فداکاری را درباره خودمان

بکنیم تا تمام اهالی مملکت و اعضاء ادارات بدانند که

وکلاء يك فداکاری در باره خودشان کردند و يك حقی

را از خودشان گرفتند . بنده شخصاً میل دارم این حق

را از خودم بگیرم و این فداکاری را نسبت بخودم بکنم تا

مأمورین دولتی که يك قدری بواسطه این طرح از منافعی

شده اند و همینطور سایر مردم بدانند که وکلای دوره

ششم تقنینیه با تصویب این قانون يك فداکاری کردند

آنها هم يك فداکاری اخلاقی . و این مسئله يك سرمشق

نیکوئی بشود برای دوره های بعد . و امیدواریم وکلای

دوره بعد هم از این رأی ما سرمشق بگیرند و از این

گونه فدا کاری ها و گذشت ها در باره خودشان

بنمایند .

يك قسمتی که آقای احتشام زاده فرمودند که مربوط

به اعمال نفوذ مالکین نسبت برعابا بود بنده جواب

عرض نمیکنم و دفاعی هم در این موضوع نمیکنم و همانطوری

که اجزاء ادارات در موقع تصدی بشغل اداری خودشان

اعمال نفوذ میکنند چنانچه خود آقای احتشام زاده که

محرورمبتی در کار نیست. این مطالبی که فرمودید مال يك حزبی است. و هنوز در ایران يك حزب قوی نداریم که بگوئیم این ترتیب مخالف با مقررات فلان حزب یا فلان مسلک است، البته هر وقت که در مملکت يك حزب یا مسلکی تشکیل شد آنوقت مطابق همان ترتیبات عمل خواهد شد.

بعضی از نمایندگان - مسلک حالا هم هست.

حاج میرزا مرتضی - عرض کردم حزب معینی لان در مملکت نیست نه بگوئیم بر خلاف مسلک فلان حزب است. ما آزادی هیچکس را از دستش نگرفته ایم و البته همه آزادند منتهی ما میگوئیم فلان رئیس اداره اعمال نفوذش را در نقطه مهوریتش نباید بخرج دهد. اگر واقعاً محل اعتماد مردم است خوب است از جای دیگر انتخاب شود. پس جلوی آزادی کسی گرفته نشده است رئیس - بالاخره عده برای رأی گرفتن کافی نیست آقای

تقی زاده

تقی زاده - می خواستم آقایان را تذکر بدهم و این تذکر بیشتر راجع است بان آقایانی که طرح اولی را آوردند. ولی چون يك ماده دیگری که مخالف میل آنها بود به مجلس پیشنهاد شد و تصویب شد آنها از مجلس بیرون رفتند. مقصود بنده و سایر آقایان این است که بانها عرض کنیم وقتی که اول انسان يك حرفی را میگوید که مثلاً این طور خوب نیست و صلاح نیست در آخرش هم که کار تمام میشود باید بگوید که من گفتم این طور می شود. بنده عرض میکنم این مسئله دو فوریت در مجلس يك موضوع و يك سابقه بدی است بعضی از آقایان میفرمایند فلان مطلب مسلم است بلی مسلم است ولی برای خودشان که پیشنهاد میکنند ولی آقایان خیار میکنند همینکه برای خودشان مسلم شد برای دیگران هم مسلم است و اگر کسی بگوید خوبست که فلان لایحه برود در کمیسیون و در آنجا مذاکره و دقت شود و مطلب معلوم شود آقایان موافقین تعجب

منافعش مخالف است مخالف این است که اعضاء ادارات محروم شوند و بان قانون مخالفت میکنند. بعقیده بنده اگر این اصلاحاتی که به مجلس آمده با چندین اصلاح دیگر هم اگر بعد بیاید بعقیده بنده بقدر يك قدم برای این مملکت فائده ندارد. بنده نمیگویم هیچ فائده ندارد البته فائده دارد منتهی فائده جزئی ولی فائده اساسی ندارد. برای اینکه مسئله اصلاح انتخابات برای اینکه ملت بحقوق خودش برسد و مجلس مجلس حقیقی باشد و نمایندگان ملت تا آن اندازه که در استطاعت بشری است نمایندند ملت باشند این است آن اشخاصیکه روی کاغذ خودشان نمیتوانند يك چیزی بنویسند و دیگری مینویسد و نمیداند چه چیز است و توی صندوق میاندازد بهتر این است ممنوع باشد و انتخاب منحصر بشود بشخصی که خودشان مینویسند. شاید هم بگویند این حرف صحیح نیست و اگر پیشنهاد هم بشود ده نفر بیشتر قیام نکنند ولی حرف مثل تخم است که پاشیده میشود و امیدوارم این حرف در صورت مجلس چاپ شود و این ملت بخواند (مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

و يك روزی ملت ملتفت شود و انشاء الله بان مسئله وجدان عمومی ملت حکم کنند که این انتخاب حالیه انتخاب نیست و اگر در میان دو اسم يك گوسفندی هم يك کاغذی نصب بکنند آن هم میتواند توی صندوق بیندازد بدون اینکه بداند چه چیز است

رئیس - چو عده کافی نیست باید مجلس را ختم کنیم

زوار - بنده عرض دارم اجازه میفرمائید؟

رئیس - پیشنهادی شده بود که از امروز تا پانزدهم

صفر تعطیل شود چون عده کافی نیست حالا نمیشود رأی

گرفت عجباً از امروز تا دوازدهم یعنی سه شنبه آنبه ..

بعضی از نمایندگان - چهاردهم؟

رئیس - سه شنبه دوازدهم تعطیل می شود و تکلیف

آن تعطیل روز سه شنبه معلوم خواهد شد.

آقسید یعقوب - روز سه شنبه جلسه است؟

رئیس - بله

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)